



## امام علی علیه‌السلام

امام علی علیه‌السلام

### حرم امام علی(ع)

ولادت	۱۳ رجب، سال ۳۰ عام الفیل
زنگاه	مکه، کعبه
پدر	ابوطالب
مادر	فاطمه بنت اسد
کنیه	ابوالحسن، ابوتراب، ابوالسبختین، ابوالریحاننشین، ابوالانمه و ...
القب	امیر المؤمنین، یحسوب‌الدین، حیدر کرار، مرتضی، فاروق، صدیق اکبر
همسران	فاطمه(س)، امامه بنت ابوالعاص، ام‌البنین، اسماء بنت عمیس، لیلی بنت مسعود بن خالد، اجیبیب، ام‌سعید، محیة
فرزندان	حسن، حسین، زینب، اچکلتوم، محسن، نفیسه، زینب صغری، رقیه صغری، ام‌هانی، ام‌الکرام، جمانه، امامه، ام‌سلمه، میمون، خدیجه، فاطمه
محل زندگی	مکه، مدینه، کوفه
نقش	امام اول شیعیان
مدت امامت	۲۹ سال (۱۱-۴۰ق)
شهادت	۲۱ رمضان، ۴۰ق
مدفن	نجف، عراق
طول عمر	۶۳ سال
امامان شیعه	امام علی، امام حسن مجتبی، امام حسین، امام سجاد، امام محمدباقر، امام جعفر صادق، امام موسی کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام حسن عسکری، امام مهدی

علی بن ابی طالب (۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق.)، امام اول شیعیان، صحابی، راوی، پسر عمو و داماد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)، کاتب وحی و چهارمین خلیفه از خلفای راشدین نزد اهل سنت است.

### فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۲ - نسب امام
  - ۲.۱ - معنای امیر المؤمنین
- ۳ - ولادت و شهادت
  - ۳.۱ - دوران کودکی
- ۴ - اوصاف جسمی
- ۵ - همسران امام
- ۶ - فرزندان امام
- ۷ - نخستین مرد مسلمان
- ۸ - شرکت در غزوات پیامبر
  - ۸.۱ - جنگ بدر
  - ۸.۲ - جنگ احد
  - ۸.۳ - جنگ خندق
  - ۸.۴ - جنگ خیبر
  - ۸.۵ - فتح مکه
  - ۸.۶ - جنگ حنین
  - ۸.۷ - جنگ تبوک

- ۹.۱ - آیه اطاعت
- ۹.۲ - آیه ولایت
- ۹.۳ - حدیث منزلت
- ۹.۴ - حدیث يوم الانذار
- ۹.۵ - واقعه غدیر
- ۱۰ - وفات پیامبر و سقیفه
- ۱۱ - دوران خلفای سه گانه
  - ۱۱.۱ - بیعت اجباری
  - ۱۱.۲ - جمع آوری قرآن
  - ۱۱.۳ - جنگ بارومین
  - ۱۱.۴ - مبدا تاریخ اسلامی
- ۱۲ - دوران حکومت
  - ۱۲.۱ - حقوق متقابل مردم و حاکم
  - ۱۲.۲ - عدالت
  - ۱۲.۳ - سختگیری در اجرای دین و قانون
  - ۱۲.۴ - سرزنش تملق گوین
  - ۱۲.۵ - ساختار نظامی
- ۱۳ - کارگزاران امام
- ۱۴ - جنگهای امام
  - ۱۴.۱ - جنگ جمل
  - ۱۴.۲ - جنگ صفین
  - ۱۴.۳ - جنگ نهروان
- ۱۵ - شهادت
- ۱۶ - وصایای امام
- ۱۷ - مخفی بودن قبر
- ۱۸ - امام علی در قرآن
  - ۱۸.۱ - آیه مباحله
  - ۱۸.۲ - آیه تطهیر
  - ۱۸.۳ - آیه مودت
- ۱۹ - امام علی در تاریخ و روایت
  - ۱۹.۱ - نخستین مسلمان
  - ۱۹.۲ - لیلۃ المبیّت
  - ۱۹.۳ - برادری با رسول خدا
  - ۱۹.۴ - رد الشمس
  - ۱۹.۵ - ابلاغ سوره بر انت
  - ۱۹.۶ - سدالابواب
- ۲۰ - سرسلسله علوم مسلمانان
  - ۲۰.۱ - علم کلام
  - ۲۰.۲ - علم فقه
  - ۲۰.۳ - تفسیر و قرانت
  - ۲۰.۴ - علم طریقت
  - ۲۰.۵ - ادبیات عرب
  - ۲۰.۶ - فصاحت و بلاغت
- ۲۱ - ویژگیهای اخلاقی امام
  - ۲۱.۱ - جود و سخاوت
  - ۲۱.۲ - گذشت و بردباری
  - ۲۱.۳ - خوشرویی
  - ۲۱.۴ - جهاد در راه خدا
  - ۲۱.۵ - شجاعت
  - ۲۱.۶ - عبادت
  - ۲۱.۷ - زهد
- ۲۲ - آثار
  - ۲۲.۱ - نهج البلاغه
  - ۲۲.۲ - غرر الحکم و درر الکلم
  - ۲۲.۳ - دستور معالم الحکم
  - ۲۲.۴ - تألیفات دیگر
- ۲۳ - اصحاب امام
- ۲۴ - فهرست منابع
- ۲۵ - پانویس
- ۲۶ - منبع

به گفته مورخین شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت، در کعبه زاده شد. او نخستین کسی بود که به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان آورد. از نظر شیعه، وی به فرمان خدا و تصریح پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جانشین بلافضل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

[۱] مانده/سوره ۵، آیه ۶۷.

آیاتی از قرآن کریم بر عصمت و پیراستگی وی از پلیدیها دلالت دارد.

[۱] [احزاب/سوره ۳۳، آیه ۳۲.](#)

بنابر منابع شیعه و برخی منابع اهل سنت، حدود ۳۰۰ آیه در قرآن کریم در [فضیلت](#) او نازل شده است.

[۲] [اربلی](#)، ابن ابی الفتح، کشف الغمه، ص ۹۳.

[۳] [سیوطی](#)، عبدالرحمن، تاریخ الخلفاء، ص ۱۸۹.

وی همسر [حضرت فاطمه \(صلی الله علیه و آله و سلم\)](#) و [پدر](#) و [جد](#) ۱۱ امام شیعه است.

هنگامی که [قریش](#) قصد کشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را داشتند، او در بستر پیامبر خوابید تا دشمنان گمراه شوند و بدین طریق پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مخفیانه [هجرت](#) کرد.

[۴] [مجلسی](#)، [محمدباقر](#)، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۵۹.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) [عقد اخوت](#) خود را با وی بست.

[۵] [نیشابوری](#)، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶.

در همه [غزوات پیامبر \(صلی الله علیه و آله و سلم\)](#) جز [جنگ تبوک](#) که به فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در [مدینه](#) ماند- شرکت داشت و پرافتخارترین فرمانده [اسلام](#) بود. آثار مکتوب بسیاری به زبان‌های مختلف درباره امام علی (علیه السلام) نوشته شده است.

پس از درگذشت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گروهی در [سقیفه](#) با [ابوبکر](#) به عنوان [خلیفه بیعت](#) کردند و امام علی (علیه السلام) ۲۵ سال از خلافت دور ماند. آن حضرت پس از خلافت ابوبکر، [عمر](#) و [عثمان](#)، به اصرار [مسلمانان](#) خلافت و [حکومت](#) را پذیرفت.

[۶] [ابن ابی الحدید معتزلی](#)، [عبدالحمید](#)، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۵.

او در دوره کوتاه حکومتش با سه [جنگ](#) سنگین داخلی مواجه شد و سرانجام در محراب [مسجد کوفه](#) در حال [نماز](#) به دست یکی از [خوارج](#) به [شهات](#) رسید و مخفیانه در [نجف](#) به [خاک](#) سپرده شد.

[۷] [مجلسی](#)، [محمدباقر](#)، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۹۰.

گفته‌اند که سررشته بسیاری از علوم مسلمانان، از جمله نحو عربی، [کلام](#)، [فقه](#) و [تفسیر](#) به امام علی (علیه السلام) می‌رسد و فرقه‌های گوناگون، سلسله سند خود را بدو می‌رسانند. کتاب معروف [نهج البلاغه](#) منتخبی از گفته‌ها و نوشته‌های اوست.

## نسب امام

علی بن ابی طالب بن [عبدالمطلب](#) بن [هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب](#)،

[۹] [شیخ مفید](#)، [محمد بن نعمان](#)، الارشاد، ۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۵.

هاشمی قرشی، امام اول تمام شیعیان

[۱۰] [شیخ مفید](#)، [محمد بن نعمان](#)، الارشاد، ج ۱، ص ۵.

و خلیفه چهارم از خلفای راشدین از نظر اهل سنت است. [پدر](#) امام علی (علیه السلام)، [ابوطالب](#) مردی سخاوتمند، عدالتمدار، مورد احترام قبایل عرب، عمو و حامی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و از شخصیت‌های بزرگ [قریش](#) بود.

[۱۱] [ابن اثیر](#)، [علی بن محمد](#)، اسدالغابه، ج ۱، ص ۱۵.

او پس از سال‌ها حمایت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)،

[۱۲] [ابن هشام](#)، [محمد بن عبدالملک](#)، السیره النبویه، تحقیق [محمّد بن عبدالحمید](#)، ج ۱، ص ۱۷۲ - ۱۷۳.

[۱۳] [بلذری](#)، [احمد بن یحیی](#)، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳.

در سال دهم [بعثت](#)،

[۱۴] [خاتون آبادی](#)، جنت الخلود، ص ۱۶.

[۱۵] [یعقوبی](#)، [احمد بن اسحاق](#)، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

با ایمان از دنیا رفت.

[۱۶] [طوسی](#)، [محمد بن حسن](#)، مصباح‌المتجهّد، ص ۸۱۲.

مادرش، [فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف](#) است.

[۱۷] [شیخ مفید](#)، [محمد بن نعمان](#)، ارشاد، ج ۱، ص ۵.

برادران وی طالب، [عقیل](#)، [جعفر](#) و خواهرانش هند یا ام‌هانی، جمانه، ریطه یا ام‌طالب و [اسماء](#) بودند.

[۱۸] [مجلسی](#)، [محمدباقر](#)، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۲۰.

[کنیه](#) امام، ابوالحسن،

[۱۹] [شیخ مفید](#)، [محمد بن نعمان](#)، الارشاد، ج ۱، ص ۵.

ابوالحسن، ابوالسبطین، ابوالریحان‌تین، ابوتراب و ابوالثمه می‌باشد.

اللقب امام، امیر المؤمنین، یعسوب الدین و المسلمین، مبین الشریک و المشرکین، قاتل الناکثین و القاسطین و المارقین، مولی المؤمنین، شبیه‌هارون، حیدر، مرتضی، نفس الرسول، اخو الرسول، زوج البتول، سیف الله المسلول، امیر البررة، قاتل الفجرة، قسیم الجنة و النار، صاحب اللواء، سید العرب، کشف الکرب، الصدیق الاکبر، ذوالقرنین، هادی، فاروق، داعی، شاهد، باب المدینة، والی، وصی، قاضی دین رسول الله، منجز وعده، النبا العظیم، الصراط المستقیم و الانزع البطین می‌باشد.

[۲۰] [ابن شهر آشوب](#)، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۶۰.

← معنای امیر المؤمنین

[امیر المؤمنین](#) به معنای امیر، فرمانده و رهبر [مسلمانان](#)، لقبی است که به [اعتقاد](#) شیعیان اختصاص به حضرت علی (علیه السلام) دارد. بر اساس [روایات](#)، شیعیان معتقدند این لقب در زمان پیامبر اسلام برای علی بن ابیطالب به کار می‌رفته است و منحصر به اوست و نه تنها استعمال این لقب را برای [خلفای راشدین](#) و غیر راشدین جایز نمی‌دانند که حتی به کاربردن این لقب را برای سایر [امامان](#) خود هم صحیح نمی‌دانند.

ولایت و شهات

امام علی (علیه السلام) در روز **جمعه ۱۳ رجب** در سال **۳۰ عام الفیل** در **مکه** درون کعبه متولد شد. (نسخه موجود در لوح فشرده کتابخانه اهل بیت، نسخه دوم). عبارت مفید در مورد زادگاه امام چنین است: «ولد بمكة في البيت الحرام/ در مکه در بیت الحرام [=کعبه] زاده شد». مسعودی (متوفای ۳۴۶ق) درباره زادگاه امام نوشته است: «وكان مولده في الكعبة/ زادگاهش در کعبه بود.»

[۲۱] **شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۱، ص ۵.**

[۲۲] مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۳۶۹، قم، منشورات دار الهجرة، ۱۳۶۳ ش/۱۴۰۴ ق/۱۹۸۴ م.

ولادت وی در کعبه را عالمان شیعه از جمله **سید رضی**، **شیخ مفید**، **قطب راوندی**، **ابن شهر آشوب** و بسیاری از **اهل تسنن** مانند **حاکم نیشابوری**، **حافظ گنجی شافعی**، **ابن جوزی حنفی**، **ابن صیغ مالکی**، **حلی** و **مسعودی** مورد تواتر می‌دانند.

[۲۳] **امینی، عبدالحسین، الغدير في الكتب و السنة و الادب، ج ۶، ص ۲۱-۲۳.**

درگذشت وی، در اثر ضربت شمشیری بود که در سحرگاه روز **۱۹ رمضان** سال **۴۰** ق توسط یکی از **خوارج** در **مسجد کوفه** بر سر وی وارد شد، و در **۲۱** همان ماه به **شهادت** رسید و مخفیانه **دفن** شد.

[۲۴] **شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۱، ص ۹.**

## ← دوران کودکی

هنگام ۶ سالگی علی (علیه السلام)، در مکه **قحطی** شد. ابوطالب، مرد عیالمندی بود و اداره هزینه یک خانواده پرجمعیت در سال قحطی مشکل بود. از این رو، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) به عمویش **عیس** پیشنهاد داد که به ابوطالب در این امر کمک کند. بدین علت، عیس، **جعفر** را، و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) علی (علیه السلام) را به خانه خود برد.

[۲۵] **ابن هشام، محمد بن عبدالمک، السيرة النبوية، تحقیق محی الدین عبدالحمید، ج ۱، ص ۱۶۲.**

امام علی (علیه السلام) از این دوره چنین یاد می‌کند:

«آنگاه که **کودک** بودم، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مرا در کنار خود نهاد و بر **سینه** خویش جایم داد، و مرا در بستر خود می‌خوابانید، چنانکه تنم را به تن خویش می‌سود و بوی خوش خویش را به من می‌پویانید. و گاه بود که چیزی را می‌جوید، سپس آن را به من می‌خورانید. از من دروغی نشنید، و خطایی در کردار ندید.»

[۲۶] **امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۲۲.**

## اوصاف جسمی

درباره چهره و اوصاف جسمانی علی (علیه السلام) در منابع مختلف سخن بسیار رفته است. گفته‌اند که او مردی میانه بالا بود؛ اندکی کوتاه با چشمانی سیاه و گشاده داشت. در نگاهش **عطوفت** و مهریانی موج می‌زد. ابروانش کشیده و پیوسته بود.

صورتی زیبا داشت و از نیکو منظرترین مردم به شمار می‌آمد. رنگ صورتش گنمگون بود. چهره‌های گشاده و بشاش داشت. گردنش از سپیدی به درخشش ابریقی نقره‌ای مانند بود. ریشی انبوه داشت و بالای آن زیبا می‌نمود. شانه‌هایش همچون شانه‌های شیری ژین، فراخ بود.

وی انگشتانی باریک و ساعد و دستی نیرومند داشت. چنان قوی بود که اگر **دست** کسی را می‌گرفت، بر او مستولی می‌شد و طرف مقابل **قوت** نفس کشیدن را از دست می‌داد. شکمی بزرگ و پشتی قوی داشت. سینه وی فراخ و پر مو بود و سر استخوان‌های او که در مفصل با یکدیگر جفت شده بودند، بزرگ می‌نمود. عضلاتی پر پیچ و تلب و ساق‌هایی کشیده و باریک داشت. بزرگی عضله دست و پای او موزون بود و هنگام راه رفتن اندکی به جلو متمایل می‌شد.

[۲۷] **امین، سید حسن، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۳۲۲.**

بنابر برخی منابع، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) او را با لقب «بطین» خوانده و همین باعث شده است تا این گمان پدید آید که امام علی (علیه السلام) به لحاظ جسمانی، چاق بوده است ولی به نقل برخی منابع منظور از «بطین» در اینجا عبارت از «البطین من العلم» (فربه از دانش) است.

[۲۸] **شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۲۹۳.**

[۲۹] **خوارزمی، موفق بن احمد، مناقب، ج ۱، ص ۲۹۴.**

قرآن دیگری نیز در کار است که این **تفسیر** را تایید می‌کنند از جمله برخی زیارت‌نامه‌ها که علی (علیه السلام) را به صفت «بطین» ستوده‌اند.

[۳۰] **نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۱۵۲.**

**ابن قتیبه** می‌گوید: وی با هیچ کسی **مبارزه** نکرد؛ مگر اینکه او را **زمین** زد.

[۳۱] **دینوری، ابن قتیبه، المعارف، ص ۱۲۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۷ ق/۱۹۸۷ م.**

**ابن ابی الحدید** می‌گوید: توانایی جسمی امام، ضرب المثل شده است. او بود که در **قلعه خیبر** را کند، در حالی که جمعی می‌خواستند آن را برگردانند ولی نتوانستند؛ او بود که **بت هیل** را - که بت بزرگی بود - از بالای کعبه به زمین انداخت و او بود که سنگ بزرگی را در روزهای خلافتش با دست خویش از جا کند و از زیر آن **آب** جوشید، در حالی که لشکریان همگی از این کار ناتوان بودند.

[۳۲] **ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۱.**

## همسران امام

**فاطمه (سلام الله علیهم)**: نخستین همسر امام علی (علیه السلام)، حضرت فاطمه (سلام الله علیهم) دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود.

[۳۳] **شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۱، ص ۵.**

پیش از علی (علیه السلام) افرادی مانند **ایوبکر** و **عمر بن خطاب** و **عبدالرحمن بن عوف** آمادگی خود را برای **ازدواج** با دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) اعلام کرده بودند که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده بود درباره ازدواج زهرا (سلام الله علیهم) منظر **وحي** الهی است.

[۳۴] **مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۵.**

مورخان در تاریخ ازدواج علی (علیه‌السلام) و فاطمه (سلام‌الله‌علیهم) اختلاف نظر دارند: برخی اول **ذی‌الحجه** سال دوم هجری،

[\[۳۵\]](#) **شیخ مفید، محمد بن نعمان، مسار الشیعة، ص ۱۷.**

برخی ماه **شوال** و گروهی ۲۱ **محرم** را ذکر کرده‌اند.

[\[۳۶\]](#) سید بن طاوس، اقبال الاعمال، تحقیق جواد قیومی، ص ۵۸۴.

ثمره ازدواج علی (علیه‌السلام) و فاطمه (سلام‌الله‌علیهم) پنج فرزند بوده است به نام‌های **حسن** و **حسین** و **محسن**

[\[۳۷\]](#) مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب، ص ۱۵۳.

و **زینب کبری** و **ام‌کلثوم کبری**.

**امامه** دختر **ابوالعاص بن ربیع** پس از شهادت فاطمه (سلام‌الله‌علیهم)، آن حضرت با امامه ازدواج کرد. مادر امامه، زینب دختر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود.

**ام‌البنین**: دختر **حزام بن دارم کلایه**، حضرت **علیس (علیه‌السلام)** و **عثمان** و **جعفر** و **عبدالله** فرزندان وی بودند که همگی در **کربلا شهید** شدند.

لیلی: پس از ام‌البنین، آن حضرت با لیلی دختر **مسعود بن خالد** نهشلیه تمیمه دارمیه ازدواج کرد.

**اسماء بنت عمیس**: آن حضرت سپس با اسماء دختر عمیس خثعمی ازدواج کرد که **یحیی** و **عون** فرزندان این همسر علی (علیه‌السلام) بوده‌اند.

ام حبیب: یکی دیگر از همسران امام علی (علیه‌السلام) ام حبیب دختر **ربیعہ تغلیبه** موسوم به صهبا بوده است.

خوله دختر **جعفر بن قیس بن مسلمه حنفی** یا به قولی دختر ایلس از دیگر زنان آن حضرت بوده است. **محمد بن حنفیه** فرزند علی (علیه‌السلام) از این همسر است.

ام‌سعید و مُحیة: امام علی (علیه‌السلام) همچنین با ام سعید دختر **عروة بن مسعود نقفی** و نیز مُحیة دختر امری القیس بن عدی کلبی ازدواج کرده است.

[\[۳۸\]](#) **ری شهری، محمد، موسوعه الامام علی بن ابی طالب، ج ۱، ص ۱۰۸.**

## فرزندان امام

به طور کلی، **شیخ مفید** در «**الارشاد**» فرزندان وی را ۲۷ نفر نام می‌برد و می‌گوید برخی از شیعیان یک نفر دیگر را نیز نام برده‌اند که فرزند حضرت زهرا بوده و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) او را محسن نامیده بوده ولی پس از **وفات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** سقط شده است. (در تاریخ یعقوبی، محسن یکی از سه پسر امام علی (علیه‌السلام) از حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیهم) دانسته شده که در کودکی مرده است.)

[\[۳۹\]](#) **یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۳.**

با این حساب فرزندان امام علی (علیه‌السلام) ۲۸ نفر بوده‌اند:

از دیگر همسران: ۱۸. نفیسه، ۱۹. زینب صفری، ۲۰. رقیه صفری، ۲۱. ام‌هانی، ۲۲. ام‌الکرام، ۲۳. جمانه که کنیه‌اش ام‌جعفر بوده است، ۲۴. امامه، ۲۵. ام سلمه، ۲۶. میمونه، ۲۷. خدیجه، ۲۸. فاطمه.

شیخ مفید از مادران این چند نفر اخیر نام نبرده و گفته است که از مادرانی مختلف‌اند.

[\[۴۰\]](#) **شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۷۱، قم، سعید بن جبیر، ۱۴۲۸ ق.**

## نخستین مرد مسلمان

او نخستین کسی بود که به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) **ایمان** آورد و هفت سال قبل از اینکه هیچ یک از مسلمانان، **خدا** را بپرستد او با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خدا را می‌پرستیده است.

[\[۴۱\]](#) **نسائی، احمد بن شعیب، السنن الکبری، ج ۷، ص ۴۰۷.**

[\[۴۲\]](#) **ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۵.**

[\[۴۳\]](#) **آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تجدید نظر و اضافت ابوالقاسم گرگی، ص ۶۵، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.**

ابن ابی الحدید (از بزرگان علمای **اهل سنت**) می‌گوید: بیشتر علمای حدیث بر این باورند که وی اولین کسی بود که به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ایمان آورد و از او پیروی کرد. خود وی [امام (علیه‌السلام)] فرموده است: «صَدِيقُ اكْبَرِ مِنْهُ، فاروق اول منم، **اسلام** آوردم قبل از اینکه مردم اسلام آورند، و **نماز** خواندم قبل از نماز خواندنشان.»

[\[۴۴\]](#) **ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۰.**

## شرکت در غزوات پیامبر

امام علی (علیه‌السلام) در غزوات و سریه‌های صدر اسلام، نقش مؤثری داشت و در همه غزوات جز **غزوه تبوک** همراه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) جنگید.

[\[۴۵\]](#) **ابن سعد بغدادی، محمد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۴.**

وی به عنوان دومین شخصیت نظامی پس از حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ایفای نقش کرده است.

## ← جنگ بدر

**جنگ بدر**، نخستین جنگ میان مسلمانان و **کفران** بود که در روز جمعه هفدهم رمضان سال ۲ ق. در کنار چاه‌های بدر روی داد.

[\[۴۶\]](#) **بلانری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۸۸.**

در این جنگ مسلمانان توانستند، هفتاد تن از **مشرکان** را از بین ببرند که در میان آنها نام برخی از سران **کفر**، همچون **ابوجهل**، عتبه، **شیبه** و **امیه** به چشم می‌خورد.

در عرب رسم بر این بود قبل از حمله عمومی، نبردهای تن به تن انجام می‌شد، بنابراین **عتبه بن ربیعہ اموی** و پسرش ولید و برادرش شیبه، از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خواستند که همتیانی برای مبارزه با آنان وارد میدان کند. حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، علی (علیه‌السلام)، **حمزه** و **عبیده بن حارث** را برای این کار فرستاد. علی (علیه‌السلام)، به ولید مجال نداد و حمزه به عتبه، و آن دو را از پای در آوردند و آن‌گاه عبیده را در مقابل دشمنش شیبه کمک کردند و او را نیز کشتند.

[\[۴۷\]](#) **طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۵.**

همچنین **حنظله**، **عاص بن سعید**، **طعیمه بن عدی** و حدود بیست نفر از مشرکان در این جنگ توسط امام علی (علیه‌السلام) کشته شدند.

#### ← جنگ احد

در پیشاپیش سپاه اسلام در **جنگ احد**، علی (علیه السلام)، حمزه، **ابو نجانه** و دیگران بودند و صفوف **دشمن** را تضعیف کردند. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از هر طرف مورد هجوم دسته‌هایی از لشکر **قریش** قرار گرفت. هر دسته‌ای که به آن حضرت (صلی الله علیه و آله وسلم) حمله می‌آوردند علی (علیه السلام) به فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به آنها حمله می‌برد. به پلس این فداکاری، **جبرئیل** نازل شد و **ایشان** علی (علیه السلام) را نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ستود و گفت: این نهایت فداکاری است که او از خود نشان می‌دهد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) جبرئیل را تصدیق کرد و گفت: "من از علی هستم و او از من است." سپس صدایی در **آسمان** پیچید که: "لاسیف الا ذوالفقار، و لا فتی الا علی؛ شمشیری چون **ذوالفقار** و جوانمردی همچون علی نیست."

[۴۹] ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۰۷.

#### ← جنگ خندق

در **جنگ خندق** پس از این که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با اصحاب خود **مشورت** کرد، **سلمان فارسی** نظر داد که خندقی اطراف **مدینه** حفر شود تا بین مهاجمان و آنها فاصله اندازد.

[۵۰] ابن هشام، محمد بن عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق محی الدین عبدالحمید، ج ۳، ص ۷۰۸.

چند روز دو سپاه در دو سوی خندق روبروی هم بودند و گاهی به هم **سنگ** و تیر می‌انداختند؛ بالاخره **عمرو بن عبود** (از لشکر کفار) با چند نفر دیگر، از تنگترین جای خندق خود را به طرف دیگر آن رسانیدند. علی (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خواست تا با عمرو مبارزه کند، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز پذیرفت، علی (علیه السلام) بعد از درگیری با عمرو او را به زمین انداخت و کشت.

[۵۱] طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۷۳-۵۷۴.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگامی که سر عمرو را در دست علی (علیه السلام) دید، فرمود: «ضربة علی يوم الخندق افضل من عبادة الثقلين»؛

[۵۲] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۱۶.

ارزش ضربتی که علی در روز خندق بر دشمن فرود آورد از **عبادت جن و انس** برتر است.

#### ← جنگ خیبر

**جنگ خیبر** در **جمادی الاولی** سال ۷ق. رخ داد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برای مقابله با **یهودین** دستور حمله به دژهای آنها را صادر کرد.

[۵۳] ابن هشام، محمد بن عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق محی الدین عبدالحمید، ابن هشام، ج ۲، ص ۳۲۸.

بعد از آنکه افراد متعددی همچون **ابوبکر** و **عمر** نتوانستند دژهای یهود را فتح کنند، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: "فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که خدا و پیامبر را دوست دارد و خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند."

[۵۴] نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱.

صبحگاهان علی (علیه السلام) را خواست و پرچم را به او داد.

علی (علیه السلام) به میدان رفت و وقتی سپرش را در نبرد از دست داد، در یکی از دژها را از جا کند و تا پایان جنگ، از آن به جای سپر استفاده کرد.

[۵۵] شیخ مفید، محمد بن نعمان، ارشاد، ج ۱، ص ۱۲۸.

#### ← فتح مکه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در اوائل رمضان سال ۸ق. به قصد **فتح مکه** از مدینه خارج گردید. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پرچمی را که ابتدا در دست **سعد بن عباد** بود، بخاطر اظهار سخنانی دال بر جنگ و انتقامجویی، به دست علی (علیه السلام) داد.

[۵۶] آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تجدید نظر و اضافت ابوالقاسم گرگی، ص ۴۵۹.

پس از فتح مکه، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بت‌های داخل **کعبه** را شکست و سپس به علی (علیه السلام) دستور داد بر دوش وی رود و **بت خزاعه** را از بالای کعبه به زیر اندازد.

[۵۷] زمشخری، جاز الله، الکشاف، ج ۲، ص ۶۸۹، ذیل آیه ۸۱ سوره اسراء.

#### ← جنگ حنین

**جنگ حنین** در سال ۸ق. به وقوع پیوست. در این جنگ پرچمی از **مهجران** به دست امام علی (علیه السلام) بود.

[۵۸] آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تجدید نظر و اضافت ابوالقاسم گرگی، ص ۴۸۱.

#### ← جنگ تبوک

تنها جنگی که علی (علیه السلام) در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) حضور نداشت، غزه تبوک بود. علی (علیه السلام) به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مدینه مانده بود، تا در غیاب وی از توطئه‌های **منافقان** جلوگیری نماید.

پس از ماندن علی (علیه‌السلام) در مدینه، منافقان اقدام به شایعه سازی کردند و علی (علیه‌السلام) برای دفع **فتنه** و **شایعه** آنها، فوراً سلاح برداشت و با سرعت در بیرون شهر به خدمت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) رسید و جرین را به او اطلاع داد.  
در اینجا بود که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)، **حدیث منزلت** را فرمود: «برادر من علی، به مدینه بازگرد، زیرا برای اداره امور آنجا، جز من و تو شخص دیگری شایستگی ندارد. پس تو نماینده و جانشین من در میان **اهل بیت** من و خانه و قوم من هستی. ای علی! آیا خشنود نمی‌شوی که نسبت به من، همانند **هارون** نسبت به **موسی** باشی، جز این‌که بعد از من پیامبری نخواهد بود.»

[۵۹] **شیخ مفید، محمد بن نعمان، ارشاد، ج ۱، ص ۱۵۶.**

[۶۰] **ابن هشام، محمد بن عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق محی الدین عبدالحمید، ج ۴، ص ۹۴۶.**

## دلایل امامت

**آیت** و **روایت** زیادی دال بر **امامت** و جانشینی امام علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) بعد از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) است که برخی از آنها عبارتند از:

### ← آیه اطاعت

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»

[۶۱] **نساء/سوره ۴، آیه ۵۹.**

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را **اطاعت** کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید». این آیه به اتفاق **علمای شیعه** در شان امام علی (علیه‌السلام) و **انمه (علیه‌السلام)** نازل شده است و دلیل بر وجوب اطاعت از آنهاست.

[۶۲] **کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۸۹.**

[۶۳] **شیخ صدوق، محمد بن علی، الهدایه، ج ۲، ص ۳۱.**

[۶۴] **شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ص ۲۴.**

[۶۵] **حلی، حسن بن یوسف، تنکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۵۳.**

[۶۶] **مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۸۹.**

[۶۷] **فیض کاشانی، ملا محسن، الحق المبین، ص ۴.**

[۶۸] **طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۱۰.**

[۶۹] **حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۵۸.**

[۷۰] **طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۱.**

### ← آیه ولایت

این آیه، ولایت امام علی (علیه‌السلام) و سایر انمه (علیه‌السلام) را اثبات می‌کند. **مفسران شان نزول** این آیه را مربوط به امام علی (علیه‌السلام) و دادن **انگشتر** خود به شخص **فقیر** در حال **رکوع** دانسته‌اند.

[۷۱] **قرطبی، محمد بن علی، تفسیر القرطبی، ج ۶، ص ۲۲۱.**

[۷۲] **طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۵.**

[۷۳] **فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر الرازی، ج ۱۲، ص ۳۰.**

[۷۴] **سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور، ج ۳، ص ۹۸.**

### ← حدیث منزلت

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) خطاب به علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبي بعدي»؛

[۷۵] **قنوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، تحقیق سید علی جمال اشرف، ص ۱۵۷.**

تو نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی هستی جز اینکه پس از من پیغمبری نخواهد بود».

### ← حدیث يوم الاذار

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) وقتی رسالتش را به اقوام خود ابلاغ کرد فقط علی (علیه‌السلام) دعوت حضرت (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) را پذیرفت. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) نیز فرمود: «انت لخی و وزیر و وارثی و خلیفتی من بعدی»؛

[۷۶] **گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب، ص ۲۰۵.**

تو برادر و وزیر و وارث من و جانشین من پس از من هستی».

### ← واقعه غیر

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) در سال ۱۰ ق. برای انجام **فریضه** و تعلیم مراسم **حج** به **مکه** سفر کرد. مراسم حج به پایان رسید و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) در حالی که گروهی انبوه او را بدرقه می‌کردند به سمت **مدینه** آمد. در ۱۸ **ذی الحجه** وقتی کاروان به مکانی به نام **غدیر خم** در نزدیکی **جحفه** رسید، به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) **وحی** شد تا ولایت‌عهدی

علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) را به مردم ابلاغ کند. بنابراین وی فرمان داد همه از حرکت باز ایستند تا بازماندگان نیز فرار سندن. سپس پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) فرمان الهی را ابلاغ کرد.

[۱۷۷] ابن مغزالی، علی بن محمد، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۱۶.

[۱۷۸] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۹۰.

[۱۷۹] طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ج ۱، ص ۷۳.

[۱۸۰] قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۷۳.

[۱۸۱] رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۶، ص ۳۸۴.

بعد از نزول این آیه، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) به مردم گفت: «الست اولی بالمؤمنین من انفسهم؟ قالوا بلی، قال: من كنت مولاه فهذا علی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخلد من خذله»؛

[۱۸۲] ابن مغزالی، علی بن محمد، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۴.

آیا من به مؤمنین از خودشان اولی به تصرف نیستم؟ مردم عرض کردند: بلی، فرمود: من مولای هر که هستم این علی مولای اوست، خدایا دوست او را دوست مدار و دشمنش را دشمن مدار؛ هر که او را یاری کند کمکش کن و هر که او را واگذار د خوار و زبونش مدار».

## وفات پیامبر و سقیفه

در آخرین لحظات عمر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)، علی (علیه‌السلام) نزد او آمد و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) رازی طولانی را با او در میان گذاشت و پس از آن بیماری‌اش شدت یافت و به علی (علیه‌السلام) فرمود: "سرم را در دامن خود قرار ده، زیرا فرمان الهی رسیده است، هرگاه روح از بدنم مفارقت کرد آن را با دست خود بگیر و بر صورت خویش بگش و آن‌گاه مرا رو به قبله نما و تجهیز کن و قبل از همه مردم بر بدنم نماز بگزار و تا پیکرم را در خاک نهدن می‌سازی، از من جدا مشو، و از خدای متعال یاری بخواه." [۱۸۳] شیخ مفید، محمد بن نعمان، ارشاد، ج ۱، ص ۱۸۶.

بعد از رحلت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)، در حالی که علی و بنی‌هاشم مشغول تجهیز و تدفین حضرت بودند، بعضی از مهاجران و انصار از جمله ابوبکر، عمر، عامر بن ابی عبیده جراح، عبدالرحمن بن عوف، سعد بن عباد، ثابت بن قیس، عثمان بن عفان به راه افتادند و در جایی به نام سقیفه بنی ساعده جمع شده تا تکلیف حکومت را روشن کنند که پس از مشاجراتی که میان آنها واقع شد، در نهایت بدون توجه به واقع غدير، ابوبکر را به عنوان خلیفه معرفی کردند.

[۱۸۴] ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۶.

## دوران خلفای سه گانه

با آغاز خلافت ابوبکر، اتفاقات دردناکی برای اهل بیت (علیه‌السلام) اتفاق افتاد از جمله: هجوم به خانه علی (علیه‌السلام) و گرفتن بیعت برای ابوبکر،

[۱۸۵] طوسی، محمد بن حسن، تلخیص الشافی، ج ۳، ص ۷۶.

[۱۸۶] شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق محمدسید کیلانی، ج ۲، ص ۹۵.

[۱۸۷] دینوری، ابن قتیبه، الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۳۰.

تصرف و غصب فک

[۱۸۸] حطی، علی بن ابراهیم، السیره الطلیبه، ج ۳، ص ۴۰۰.

[۱۸۹] ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

و شهادت حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها).

در دوران ۲۵ ساله خلفای سه‌گانه، امام (علیه‌السلام) به انجام خدمت علمی و اجتماعی بسیاری موفق شد. از جمله جمع‌آوری قرآن (مصحف امام علی (علیه‌السلام))، مشاوره به خلفا در امور گوناگون، انفاق به فقیران، آزاد کردن بردگان چندان که حدود ۱۰۰۰ برده را خرید و آزاد کرد، کشاورزی و درختکاری، حفر قنات، ساختن مساجد از جمله مسجد فتح در مدینه، مسجدی در کنار قبر حمزه، مسجدی در میقات، مسجدی در کوفه و مسجدی در بصره، وقف امارکن و املاک که درآمد سالانه آن را تا ۴۰۰۰۰ دینار شمرده‌اند.

[۱۹۰] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۸۸.

در ادامه به برخی از امور مهم این دوره اشاره می‌شود.

## ← بیعت اجباری

خودداری امام علی (علیه‌السلام) از بیعت و اقدام عده‌ای از صحابه که با خلافت ابوبکر به مخالفت پرداختند، برای ابوبکر و عمر خطری جدی به شمار می‌آمد. بنابراین، ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند به این خطر پایان دهند و این حرکت را با مجبور ساختن علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) به بیعت با ابوبکر، عملی سازند.

[۱۹۱] پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، ج ۲، ص ۱۹۱.

بعد از اینکه چندین بار ابوبکر، قنفذ را به خانه امام علی (علیه‌السلام) فرستاد تا از او بیعت بگیرد و علی (علیه‌السلام) نپذیرفت، عمر به ابوبکر گفت: خود برخیز تا نزد وی برویم. بدین ترتیب، ابوبکر، عمر، عثمان، خالد بن ولید، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و قنفذ به خانه علی (علیه‌السلام) رفتند.

وقتی این گروه به در خانه رسیدند پس از امانت به حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) و کوبیدن در خانه بر او، در حالی که او میان در و دیوار مانده بود، و تازیانه زدن به او،

[۱۹۲] دینوری، ابن قتیبه، الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۲۹-۳۰.

[۱۹۳] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۸.

[۱۹۴] مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۲۰.

[۱۹۵] شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق محمدسید کیلانی، ج ۱، ص ۵۷.

به طرف امام علی (علیه‌السلام) حمله ور شدند و لباسش را به گردش پیچیدند و او را کشتن‌کشان از خانه به سمت سقیفه بردند.

وقتی امام علی (علیه‌السلام) را به محل سقیفه بردند، از او خواستند تا با ابوبکر بیعت کند، امام (علیه‌السلام) پاسخ داد: "من به خلافت، سزاوارتر از شما هستم و با شما بیعت نخواهم کرد. سزاوارتر است شما با من بیعت کنید چرا که شما با استناد به خویشاوندی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)، خلافت را از انصار گرفتید و اکنون آن را از ما غصب می‌کنید...."

[۱۹۶] دینوری، ابن قتیبه، الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۲۸.



علمای شیعه و سنی اذعان دارند که امام علی (علیه‌السلام) آغازگر تدوین قرآن بر حسب سفارش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پس از رحلت آن حضرت بوده است.

[۹۷] سیوطی، عبدالرحمن، الاتقان، ج ۱، ص ۲۰۴.

[۹۸] بغدادی، ابن ندیم، فهرست ابن ندیم، ص ۴۱-۴۲.

[۹۹] ابن عبدالوهاب، سلیمان، فصل الخطاب، ص ۹۷.

[۱۰۰] فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱.

چنانچه در روایتی آمده است که علی (علیه‌السلام) سوگند خورد که ردا بر دوش نگیرد مگر آنگاه که قرآن را فراهم آورد.

[۱۰۱] بغدادی، ابن ندیم، فهرست ابن ندیم، ص ۴۱-۴۲.

و نیز آمده است: علی (علیه‌السلام) بعد از رحلت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) قرآن را در مدت ۶ ماه جمع آوری کرد.

[۱۰۲] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۵۲.

## ← جنگ با رومیان

در نقلی خاص و یکتا آمده است که پس از درگذشت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، وقتی ابوبکر زمام امور را به دست گرفته بود، برای نبرد با رومیان با گروهی از صحابه مشورت کرد. هر کدام از آنها نظری دادند. امام علی (علیه‌السلام) فرمود: "اگر نبرد کنی پیروز خواهی شد." ابوبکر گفت: "نوبت نیک دادی. سپس از مردم خواست که برای رفتن به روم آماده شوند."

[۱۰۳] یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۳.

## ← مبدا تاریخ اسلامی

به پیشنهاد امام علی (علیه‌السلام) بود که عمر تاریخ هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از مکه به مدینه را مبدا تاریخ مسلمانان قرار داد.

[۱۰۴] نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴.

## دوران حکومت

پس از کشته شدن عثمان، جمعی از اصحاب نزد امام علی (علیه‌السلام) آمدند و گفتند: ما سزاوارتر از تو به خلافت، کسی را نمی‌شناسیم؛ علی (علیه‌السلام) گفت: من وزیر شما باشم بهتر است تا امیر شما باشم. آنان گفتند: جز بیعت با تو، چیزی نمی‌پذیریم. آن حضرت گفت که بیعت او در خفا نمی‌باشد و باید در مسجد باشد.

[۱۰۵] طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۲۹.

همه انصار جز چند نفر با علی (علیه‌السلام) بیعت کردند. مخالفان عبارت بودند از: **حسین بن ثابت**، **کعب بن مالک**، **مسلمه بن مخلد**، **محمد بن مسلمه** و تنی چند نفر دیگر که از عثمانیه به شمار می‌آمدند. از مخالفان غیر انصاری، می‌توان به **عبدالله بن عمر**، **زید بن ثابت**، و **اسامه بن زید** اشاره کرد که همه از نزدیکان عثمان بودند.

[۱۰۶] طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۲۷-۴۳۱.

در این باره که چرا امام علی (علیه‌السلام) زیر بار بیعت با مردم نمی‌رفت، باید گفت امام (علیه‌السلام) جامعه موجود را فاسدتر از آن می‌دانست که او بتواند آن را رهبری کرده و معیارها و منویات خود را در آن به اجرا در آورد.

[۱۰۷] امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، خطبه ۹۲.

## ← حقوق متقابل مردم و حاکم

از نظر امام علی (علیه‌السلام) حق زمامدار بر مردم و حق مردم بر زمامدار بزرگترین حقی است که **خداوند** قرار داده و کاملاً دو سویه است. چنان که می‌فرماید: "همانطور که کسی را بر دیگری حقی است آن دیگر را نیز بر او حقی خواهد بود. کسی که بر همگان حق دارد و هیچکس را بر او حقی نیست خدای تعالی است نه هیچیک از بندگانش."

[۱۰۸] امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵، ص ۲۲۴.

از نظر امام علی (علیه‌السلام) رعایت حقوق متقابل زمامدار و مردم ثمرات فراوانی دارد: "زمانی که رعیت حق خود را نسبت به والی به جا آورد و والی نیز حق خود را نسبت به رعیت ادا نماید، حق در میان آنها **عزت** یابد و پایه‌های دینشان استوار گردد، نشانه‌های **عدالت** آشکار شود و سنتهای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مسیر خود افتد و اجرا گردد." سپس امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: "اگر رعیت بر والی خود چیره گردد یا والی بر رعیت **ستم** روا دارد، در این هنگام میان آنها اختلاف کلمه پدید آید و دردها و بیماری‌های مردم افزون شود و کسی از پایمال شدن حق بزرگ و رواج امور باطل بیمی به دل راه ندهد. در این هنگام نیکان به خواری افتند و بدان عزت یابند و بازخواست‌های خداوند از بندگان بسیار گردد. امام علی (علیه‌السلام) برای شخصیت و حقوق مردم ارزش بسیاری قائل بود و این امر در بخشنامه‌هایی که به مأمورین دولتی فرستاده است کاملاً آشکار است. در بخشنامه‌ای که برای مأمورین جمع آوری **خراج** نوشته است، اینگونه آمده است: "به **عدل** و **انصاف** رفتار کنید و به مردم درباره خودتوان حق بدهید، پرحوصله باشید و در برآوردن حاجت مردم **صبر** و **استقامت** به خرج دهید که شما خزانه داران رعیت و نمایندگان ملت و سفیران حکومتید..."

[۱۰۹] امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، نامه ۵۱، ص ۲۸۹.

همچنین در سفارش نامه‌ای به مأموران **زکات** می‌فرماید: "آنگونه رفتار نکن که مردم از تو کراهت داشته باشند. بیش از آنچه از حق خداوند در اموالش است از او بگیر... سپس به افراد بگو: ای **بندگان** خدا، مرا ولی خدا و خلیفه او به سوی شما فرستاده تا حق خدا را که در اموال شما است بگیرم. آیا در اموال شما حقی از خدا هست که آن را به نماینده‌اش بپردازید؟ اگر کسی گفت: نه، دیگر به او مراجعه مکن و اگر کسی پاسخ داد بلی، همراهش برو بدون این‌که او را برترسانی و یا **تهدید** کنی...."

[۱۱۰] امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، نامه ۲۵، ص ۲۵۸.

هنگامی که امام علی (علیه السلام) مالک اشتر را به استانداری منصوب کرد، در حکم انتصابش چنین فرمود: "... مهربانی و خوشرفتاری و نیکویی با رعیت را در دل خود جای ده، مبادا به آنان چون جانور درنده باشی، خوردنشان را غنیمت بدانی، زیرا آنان دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند یا در آفرینش مانند تو هستند." [۱۱۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۲۹۱.

#### ← عدالت

امام علی (علیه السلام) در نخستین روزهای خلافتش، در برابر سنت غلط خلفا که بیت المال را بر اساس سوابق افراد در جنگهای صدر اسلام و یا سبقت در ایمان و مانند آن تقسیم می‌کردند- ایستاد و فرمود: "در تقسیم آنها مساوی برخورد کنید و هیچ کس را بر دیگری ترجیح ندهید... من قرآن را مطالعه کرده‌ام، ولی از اول تا آخرش برتری و فضیلتی برای فرزندان اسماعیل- یعنی اعراب مکه- بر فرزندان اسحاق نیافته‌ام." [۱۱۲] محمودی، محمدباقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۲۴.

[۱۱۳] شیخ مفید، محمد بن نعمان، اختصاص، ص ۱۵۱.  
وی عمار یاسر و ابوالهثیم بن تیهان را مسئول بیت المال کرده بود و به آنها کتباً دستور داده بود: عرب و عجم و هر مسلمان از هر تیره و تبار که باشد در سهم بیت المال یکسانند. [۱۱۴] حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۴۵۷، تهران، موسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۷۹.

همچنین امام (علیه السلام) وقتی خلافت را به دست گرفت، تمام زمین‌هایی را که عثمان به این و آن واگذار نموده بود، مال خدا خواند و دستور بازگرداندن آنها به بیت المال را صادر نمود. [۱۱۵] مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب، ص ۱۵۸.

علی (علیه السلام) در بیت المال سختگیری می‌کرد، چنانچه وقتی دخترش گردنبند مرواریدی را از کلیددار بیت المال به صورت امانت گرفت، هم دخترش و هم علی بن ابی رافع را به شدت بازخواست کرد. [۱۱۶] طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، جزء ۶، ص ۹۰.

در جریان دیگری نیز امام (علیه السلام) به یکی از یارانش که درخواست مالی خاص از آن حضرت کرده بود، فرمود: "این مال نه از آن من است، نه از آن تو، بلکه غنیمی است برای مسلمانانی که به وسیله شمشیر آن را به دست آورده‌اند. اگر تو با آنان در جنگ شریک بودی، برای تو از آن سهمی است به اندازه سهم آنان، و گر نه آنچه را آنان به دست خود چیده‌اند، شایسته نیست که به دهن دیگران برود." [۱۱۷] تقی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۲، ص ۴۵.

#### ← سختگیری در اجرای دین و قانون

آن حضرت در کار دین، بی‌اعراض بود و همین عامل او را برای برخی تحمل ناپذیر کرده بود. دو حکایت ذیل بیانگر این امر است: روزی به قنبر به دستور داد که مردی را حد بزند. قنبر تحت تاثیر احساسات، سه تازیانه اضافه زد. علی (علیه السلام) آن مرد را وادار کرد به جبران آن سه تازیانه، قنبر را تازیانه بزند. [۱۱۸] قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۴۳.

یکی از توانگران بصره، شیعی عثمان بن حنیف (فرماندار بصره) را مهمان کرد و مجلسی را به خاطر وی ترتیب داد. گزارش این ضیافت به گوش حضرت رسید و امام (علیه السلام) فوراً نامه‌ای را به عثمان بن حنیف نوشت: "ای پسر حنیف! شنیده‌ام، مردی از متمکنان اهل بصره تو را به مهمانی فراخوانده و تو هم دعوت او را پذیرفته در حالی که طعام‌های رنگارنگ و ظرفهای بزرگ غذا یکی پس از دیگری پیش تو قرار داده شده... آگاه باش! هر پیروی را پیشوایی است که به او اقتدا می‌کند و از نور دانش او بهره می‌گیرد. بدان که پیشوای شما از دنیایش به دو جامه کهنه و از غذاها به دو قرص نان بسنده کرده است...." [۱۱۹] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۲۸۳.

#### ← سرزنش تملق گویان

امام علی (علیه السلام) از مدح و ثناگویی افراد بیزار بود و مسلمانان را از این اعمال به شدت نهی می‌کرد. حکایت ذیل نمایانگر این امر است: هنگام برگشت امام علی (علیه السلام) از جنگ صفین، در کوفه شخصی به نام حرب بن شرحبیل شیبانی که پیاده بود- امام را که سواره بود- همراهی می‌کرد. امام ایستاد و به حرب گفت: برگرد. چون حرب از برگشتن امتناع کرد حضرت دو مرتبه به او گفت: "برگرد، برای اینکه پیاده رفتن شخصی مثل تو با شخصی مثل من، برای والی و زمامدار فتنه است و برای مؤمن ذلت و خواری." [۱۲۰] ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۷۵.

روزی یکی از اصحاب، امام (علیه السلام) را مدح کرد؛ حضرت به شدت او را از این عمل منع نمود و فرمود: "... بدانید از بدترین حالات زمامداران، نزد صالحان، این است که گمان برده شود که آنان فریفته تملق‌گشته و کارشان شکل برتری جویی به خود گرفته، من از این ناراحتم که حتی در دهن شما جولان کند که من مدح و ستایش را دوست دارم و از شنیدن مدح و ثنا خوشم می‌آید... با من آن طور که با جباران و زمامداران ستمگر سخن می‌گویند، سخن مگویند، القلب پرتنطنه برایم به کار میرسد...." [۱۲۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶، ص ۲۲۶.

هنگامی که سپاه امام علی (علیه السلام) به سوی شام حرکت کرد، دهقانان شهر انبار صف بسته بودند و وقتی علی (علیه السلام) نزدیک شد، پیش دویدند، و با شادباش به استقبالش شتافتند. در این هنگام امام (علیه السلام) فرمود: "این چه کاری بود که کردید؟! " گفتند: این عدالت ما است که شهریاران خود را به آن احترام می‌نماییم. امام (علیه السلام) فرمود: "به خدا سوگند شهریاران شما در این کار سود نمی‌برند و شما خود را در دنیا به زحمت و مشقت می‌اندازید و در آن جهان هم به کیفر الهی و عذاب ابدی گرفتار می‌گردید." [۱۲۲] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۷، ص ۳۲۳.

امام علی (علیه‌السلام) نظامیان را پناهگاه استوار **رعیت** و **وقار** زمامداران، شکوه دین و امنیت کشور می‌دانست که در موفقیتشان متکی به وضع اقتصادی کشور و **خراج رعیت** و کارگزاران دولت و بازرگانان و صاحبان صنایع هستند و دوام آنها و **قیرت** آنها برای حفظ کشور بستگی به ساختار کلی دولت دارد. [۱۲۳] **امام علی (علیه‌السلام)**، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۲۹۴.

وی درباره گزینش نظامیان می‌نویسد: نظامیان از افراد با شخصیت و از خاندان اصیل و دارای سوابق انتخبل شوند و رابطه تنگاتنگ بین آنها و رهبر جامعه وجود داشته باشد و از لحاظ مالی تامین گردند. [۱۲۴] **امام علی (علیه‌السلام)**، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۷۵.

در نگاه امام علی (علیه‌السلام) مردم به عنوان اصلترین ذخیره دفاعی دولت به حساب می‌آیند که اگر پشتیبانی آنها نباشد نیروی نظامی رسمی ممکن است در یک جنگ طولانی مضمحل شود و زوال دولت را در پی داشته باشد چنانچه می‌فرماید: "خواص جامعه همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر، و در اجرای **عدالت** از همه ناراضیتر و در برابر مشکلات کم استقامتتر می‌باشند. در صورتی که ستونهای استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و **جامعه اسلامی**، و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند." [۱۲۵] **امام علی (علیه‌السلام)**، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۲۹۲.

## کارگزاران امام

حضرت علی (علیه‌السلام) پس از فراغت از کار **بیعت**، عاملان خود را روانه ایالت‌های اسلامی کرد. عثمان بن حنیف را به بصره، **عمار بن شهباب** را به کوفه، **عبدالله بن عباس** را به **یمن**، **قیس بن سعد بن عباده** را به **مصر** و **سهل بن حنیف** را به شام فرستاد. سهل بن حنیف در راه شام به **تیوک** رسید و در آنجا گفتگویی میان او و گروهی از مردم در گرفت و او را بازگرداندند. [۱۲۶] شهیدی، جعفر، زیستنامه امام علی (علیه‌السلام)، ص ۲۵.

عبدالله بن عباس چون به یمن رسید، **یحیی بن منیه** که از جانب **عثمان**، حکومت یمن را به عهده داشت، هرچه در **بیت المال** بود برداشت و به **مکه** رفت. [۱۲۷] شهیدی، جعفر، زیستنامه امام علی (علیه‌السلام)، ص ۲۶.

عمار بن شهباب، حاکم کوفه چون به **زبالة** (منزلی میان مدینه و کوفه) رسید مردی به نام **طلیحة بن خویلد** که برای خونخواهی عثمان به راه افتاده بود، او را دید و چون دانست که برای حکومت کوفه آمده است، گفت: بازگرد. مردم جز امیری که دارند کسی را نمی‌خواهند و اگر نپذیری، گردنت را خواهم زد؛ بدین سبب بازگشت و علی (علیه‌السلام) چندی بعد به سفارش مالک اشتر، **ابوموسی اشعری** را در حکومت کوفه ابقا کرد. [۱۲۸] شهیدی، جعفر، زیستنامه امام علی (علیه‌السلام)، ص ۲۶.

## جنگهای امام

امام علی (علیه‌السلام) در طول حکومت خود با سه جنگ مواجه شدند.

### ← جنگ جمل

**جنگ جمل** نخستین جنگ امام علی (علیه‌السلام) بود که میان وی و **ناکثین** (نگث به معنی نقض و شکستن است و طلحه و زبیر و پیروانشان از آنجایی که در ابتدا با امام (علیه‌السلام) بیعت کرده و در نهایت بپیمانشان را شکستند، آنها را ناکثین می‌نامند).

[۱۲۹] **زبیدی، مرتضی، تاج العروس، تحقیق علی شیری، ج ۵، ص ۳۷۶.**

در **جمادی الاخر** سال ۳۶ق. رخ داد.

[۱۳۰] **طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۳۴.**

طلحه و زبیر که نخست چشم به **خلافت** دوخته بودند

[۱۳۱] **امام علی (علیه‌السلام)**، نهج البلاغه، خ ۱۴۸، ص ۱۴۴.

چون ناکم ماندند و خلافت به امام علی (علیه‌السلام) رسید، انتظار داشتند که با وی در خلافت شریک شوند. آن دو از علی (علیه‌السلام) خواستند که حکومت بصره و کوفه را به آنان دهد، ولی امام آنان را شایسته این کار ندانست.

[۱۳۲] **طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۵۳.**

از این رو، در حالی که آنها خود از متهمین به **قتل** عثمان بودند و در میان مردم کسی از مندرت از طلحه به کشتن عثمان نبود،

[۱۳۳] **امام علی (علیه‌السلام)**، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۴، ص ۱۶۶.

اما برای پیشبرد مقاصد خود، با **عایشه** همراه شدند؛ در حالی که خود عایشه هنگام **محاصره** عثمان نه تنها هیچ کمکی بدو نکرده بود بلکه معترضان به عثمان را جویندگان حق خوانده بود. ولی چون عایشه خیر بیعت مردم با علی (علیه‌السلام) را شنید، بلافاصله از کشته شدن عثمان به **سبتم** سخن سرکرد و در پی **دناخواهی خون** وی برآمد.

[۱۳۴] **طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۳۰۹۶.**

عایشه پیشتر از امام علی (علیه‌السلام) **کینه** یا کینه‌هایی به دل داشت و از این رو، با طلحه و زبیر همراهی کرد.

[۱۳۵] **طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۵۱.**

[۱۳۶] **طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۵۰.**

[۱۳۷] **طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۴۴.**

[۱۳۸] **شهیدی، جعفر، علی از زبان علی، ص ۸۲-۸۳ و ۱۰۸.**

بنابر این، اینان لشکری سه هزار نفره را تشکیل دادند و به طرف بصره حرکت کردند.

[۱۳۹] **طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۵۴.**

در این جنگ عایشه بر **شتر** نری به نام عسکر سوار شده بود و از این رو، این جنگ، جمل نام گرفت.

[۱۴۰] **طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۰۷.**

به دستور امام علی (علیه السلام)، عثمان بن حنیف (فرماندار بصره)، موظف شد تا شورشیان را به راه حق فراخواند و اگر نپذیرفتند، تا رسیدن امام (علیه السلام)، در برابر آنان مقاومت کند.

[۱۴۱] **اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار و الموازنة فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، محمدباقر محمودی، ج ۱، ص ۶۰.**

امام علی (علیه السلام) با رسیدن به بصره، بیش از پیش به **نصیحت** پیمان شکنان پرداخت بلکه از رخ دادن جنگ جلوگیری نماید. ولی نتیجه‌ای نگرفت و آنان جنگ را با کشتن یکی از یاران وی آغاز نمودند.

[۱۴۲] **طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۱۱.**

[۱۴۳] **شهبیدی، جعفر، علی از زبان علی، ص ۱۰۴.**

البته زبیر قبل از شروع جنگ بخاطر حدیثی از **پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)** که امام علی (علیه السلام) بدو یادآور شد که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) روزی به زبیر گفته بود تو به جنگ علی برمی‌خیزی. از لشکر کناره گرفت و در بیرون بصره توسط **عمرو بن جرهموز** کشته شد.

[۱۴۴] **شهبیدی، جعفر، علی از زبان علی، ص ۱۰۴.**

اصحاب جمل، پس از چند ساعت نبرد و دادن کشته بسیار، شکست خوردند. در این جنگ طلحه کشته شد.

[۱۴۵] **شهبیدی، جعفر، علی از زبان علی، ص ۱۰۸.**

و عایشه پس از جنگ، مخترومانه به **مدینه** بازگردانده شد.

[۱۴۶] **شهبیدی، جعفر، علی از زبان علی، ص ۱۰۸.**

## ← جنگ صفین

**جنگ صفین** بین امام علی (علیه السلام) و **قاسطین (معاویه و سپاهش)**.

[۱۴۷] **جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور، ج ۳، ص ۱۱۵۲.**

در **صفر** سال ۳۷ ق. در شام و در نزدیکی **فرات** در محلی به نام صفین رخ داد و پایان آن حکمیتی بود که در **رمضان** سال ۳۸ ه. ق. صورت گرفت.

[۱۴۸] **یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۸.**

[۱۴۹] **ابن خیاط، خلیفه، تاریخ خلیفه، ص ۱۹۱.**

معاویه هنگام محاصره عثمان با آنکه می‌توانست وی را یاری کند، کاری انجام نداد و می‌خواست او را به **بمشق** ببرد، تا در آنجا خود کارها را به دست گیرد. وی پس از کشته شدن عثمان، کوشید تا در دیده شامیان، علی را کشته عثمان بشناساند. امام علی (علیه السلام) در آغاز کار بدو نامه نوشت و از وی بیعت خواست. اما او بهانه آورد که نخست باید کشتگان عثمان را که نزد تو به سر می‌برند به من بسیاری تا آنان را **قصاص** کنم، و اگر چنین کنی با تو بیعت خواهم کرد.

امام پس از نامه نگاری و فرستادن نماینده‌های نزد معاویه، چون دانست که معاویه سر جنگ دارد، لشکر خویش را به سوی شام به حرکت درآورد. از آن سوی نیز معاویه با لشکر خویش حرکت کرد. هر دو لشکر در نزدیکی صفین جای گرفتند. امام علی (علیه السلام) می‌کوشید تا جایی که ممکن است کار به جنگ نکشد. لذا باز نامه نگاری‌هایی صورت گرفت ولی نتیجه‌ای نداشت و سرانجام جنگ در سال ۳۶ ه. ق. آغاز شد.

[۱۵۰] **شهبیدی، جعفر علی از زبان علی، ص ۱۱۳-۱۲۱.**

در آخرین حمله‌ای که اگر ادامه می‌یافت پیروزی سپاه علی (علیه السلام) مسلم می‌شد، معاویه با رایزنی **عمرو بن عاص** حیل‌های بکار برد و دستور داد چندان **قرآن** که در اردوگاه دارند بر سر نیزه کنند و پیشاپیش سپاه علی روند و آنان را به حکم قرآن بخوانند. این حیل کارگر شد و گروهی از سپاه علی که از قاریان قرآن بودند نزد او رفتند و گفتند: ما را نمی‌رسد با این مردم بجنگیم باید آنچه را می‌گویند بپذیریم. هر چند علی گفت این مکرری است که می‌خواهند با بکار بردن آن از جنگ برهند سود نداد.

[۱۵۱] **اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار و الموازنة، ص ۱۶۲.**

[۱۵۲] **جعفر، شهبیدی، علی از زبان علی، ص ۱۲۲.**

امام (علیه السلام) به ناچار ضمن نامه‌ای به معاویه با قید این که ما می‌دانیم تو اهل قرآن نیستی، پذیرفتن **حکمت** قرآن را یادآور شد.

[۱۵۳] **ابن مزاحم، وقعة صفین، ص ۴۹۰.**

قرار شد یک نفر از سپاه شام و یک نفر از سپاه **عراق** بنشینند و درباره حکم قرآن در این باره اظهار نظر کنند. اهل شام، عمرو بن عاص را برگزیدند. **اشعث** و شماری دیگر از کسانی که بعداً در گروه **خوارج** درآمدند، ابو موسی اشعری را پیشنهاد کردند. اما امام علی (علیه السلام) ابن عباس و یا مالک اشتر را پیشنهاد کرد ولی مورد قبول اشعث و یارانش قرار نگرفت به این بهانه که اشتر عقیده به جنگ دارد و ابن عباس نیز نباید باشد، زیرا عمرو بن عاص از مضری‌هاست، طرف دیگر باید یمنی باشد.

[۱۵۴] **ابن اعثم کوفی، احمد، الفتوح، ج ۴، ص ۲۱۰.**

سرانجام عمرو بن عاص، ابو موسی اشعری را **فریب** داد و حکمیت را به نفع معاویه به پایان برد.

[۱۵۵] **شهبیدی، جعفر، علی از زبان علی، ص ۱۲۹.**

## ← جنگ نهروان

ماجرای حکمیت در جنگ صفین، به اعتراض و مخالفت عملی برخی از یاران امام علی (علیه السلام) منجر شد که بدو گفتند چرا در کار خدا حکم قرار دادی. این در حالی بود که امام از ابتدا مخالف این امر بود و خود آنها او را به تحکیم و اداری کرده بودند. در هر حال، آنها امام را **تغییر** و **لین** کردند.

[۱۵۶] **شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تخریج محمد بن فتح الله بدران، قاهره، الطبعة الثانية، القسم الاول، ص ۱۰۶-۱۰۷.**

این دسته که خوارج یا **مارقین** نامیده شدند سرانجام دست به کشتن مردم گشودند. **عبدالله بن حنبل** را که پدرش صحابی رسول خدا بود کشتند و **شکم** زن حامله او را پاره کردند.

[۱۵۷] **شهبیدی، جعفر، علی از زبان علی، ص ۱۳۲.**

بدین طریق، امام ناچار به جنگ با آنان شد. وی قبل از جنگ عبدالله بن عباس را به گفتگوی با آنان فرستاد ولی سودی نبخشید. سرانجام خودش به میانشان رفت و با آنان گفتگو کرد. بسیاری از آنها **پشیمان** شدند و بسیاری نیز بر عقیده خویش باقی ماندند. سرانجام جنگ در گرفت و از خوارج، نه تن باقی ماندند و از یاران علی هفت یا نه تن کشته شدند.

### شهادت

پس از **نهر و ان**، امام کوشید تا مردم عراق را برای جنگ مجدد با شام بسیج کند، اما جز اندکی او را همراهی نکردند. از سوی دیگر، معاویه با آگاهی از اوضاع عراق و سستی عراقیان، با تجاوز به نواحی مختلف تحت سلطه امام در **جزیره العرب** و حتی عراق، قدرت آنها را تضعیف و راه را برای گشودن عراق فراهم می‌کرد.

[۱۵۹] جعفریان، رسول، گزیده حیات سیاسی و فکری امامان شیعه، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱، ص ۵۳-۵۴.

درست زمانی که امام در تدارک سپاهی برای رفتن به صفین بود، در صبحگاه ۱۹ رمضان (البته در شب شهادت امام، اختلاف است. ابن ابی الحدید (از علمای اهل سنت) شهادت وی در شب ۱۷ رمضان را قول مشهور می‌داند و می‌گوید شب ۱۷ رمضان شب **بدر** است و روایاتی نیز بوده است که وی در شب بدر کشته می‌شود. البته وی می‌گوید در روایت **ابی مخنف** شب ۱۹ رمضان آمده است و نظر شیعیان روزگار ما (نیمه اول قرن ۷) نیز همین است.)

[۱۶۰] **ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۵-۱۶.**

۴۰ق. به دست **عبد الرحمن بن ملجم مرادی** مجروح و در ۲۱ رمضان به **شهادت** رسید. منابع از همکاری سه تن از خوارج برای کشتن سه نفر یعنی امام، معاویه و عمرو بن عاص سخن گفته و از نقش زنی به نام **قطام** نیز یاد کرده‌اند که این مطالب قدری داستانی می‌نماید.

[۱۶۱] جعفریان، رسول، گزیده حیات سیاسی و فکری امامان شیعه، ص ۵۵.

فرزندان امیر المؤمنین (علیه‌السلام)، **امام حسن، امام حسین و محمد بن حنفیه** - با همراهی **عبدالله بن جعفر** وی را شبانه در **غر بین** (نجف کنونی) به خاک سپردند و قبرش را پنهان کردند؛

[۱۶۲] شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۱، ص ۲۷-۲۸، قم، سعید بن جبیر.

چرا که **بنی امیه** و خوارج اگر بر آن دست می‌یافتند، آن را نبش و به آن بی‌احترامی می‌کردند.

[۱۶۳] بن طاووس، عبدالکریم بن احمد، فرحة الغری، ص ۹۳.

[۱۶۴] **مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۲۲.**

[۱۶۵] مقدسی، یحیی، باز پژوهی تاریخی ولادت و شهادت معصومان (علیه‌السلام)، ص ۲۳۹-۲۴۰، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.

### وصیای امام

روایاتی از امام علی (علیه‌السلام) نقل شده است که سفارش‌های وی به فرزندان در باره چگونگی **غسل، کفن، نماز و تدفین** اوست.

[۱۶۶] **مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۹۱.**

او به فرزندان سفارش نموده است که مدفن وی را پنهان نمایند.

[۱۶۷] **مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۹۰.**

پس از ضربت خوردن وی توسط ابن ملجم، به فرزندان حسن و حسین (علیهم‌السلام) چنین سفارش نمود:

شما را سفارش می‌کنم به ترسیدن از **خدا**، و این که **دنیا** را نخواهید هر چند دنیا پی شما آید، و دریغ مخورید بر چیزی از آن که به دستتان نیاید، و **حق** را بگوئید و برای **پادشاه** - آن جهان - کار کنید، و با ستمکار در پیکار باشید و ستمدیده را یار.

شما و همه فرزندانم و کسانم و آن را که نامه من بدو رسد، سفارش می‌کنم به ترس از خدا و آراستن [=نظم] کارها، و آشتی با یکدیگر، که من از جدّ شما (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) شنیدم که می‌گفت: «آشتی دادن میان مردمان بهتر است از نماز و **روزه** سالیان». خدا را! خدا را! در باره یتیمان، آنان را گاه گرسنه و گاه سیر مدارید، و نزد خود ضایعشان مگذارید. و خدا را! خدا را! همسایگان را بپایید که سفارش شده پیامبر شما، پیوسته در باره آنان سفارش می‌فرمود چندان که گمان بریدم برای آنان ارثی معین خواهد نمود. و خدا را! خدا را!

در باره **قرآن** مبدا دیگری بر شما پیشی گیرد در رفتار به حکم آن.

و خدا را! خدا را! در باره نماز، که نماز ستون دین شمامست. و خدا را! خدا را! در حق خانه پروردگارتان، آن را خالی مگذارید چندان که در این **جهان** ماندگاری، که اگر حرمت - آن را نگاه ندارید به **عذاب** خدا گرفتارید. و خدا را! خدا را! در باره **جهاد** در راه خدا به مالهاتان و به جانهایتان و زبانهایتان! بر شما باد به یکدیگر پیوستن و به هم بخشیدن. مبدا از هم روی بگردانید، و پیوند هم را بگسلانید. **امر به معروف و نهی از منکر** را و امگذارید که بدترین شما حکمرانی شما را بر دست گیرند! آن‌گاه دعا کنید و از شما نپذیرند. **پسران عبدالمطلب!** نبینم در خون **مسلمانان** فرو رفته‌اید - دستها را بدان آلوده - و گوئید امیر مؤمنان را کشته‌اند! بدانید جز کشته من نباید کسی به خون من کشته شود.

بنگرید! اگر من از این ضربت او مردم، و او تنها یک ضربت بزنید و دست و پا و دیگر اندام او را میرید که من از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) شنیدم می‌فرمود: «بپرهیزید از بریدن اندام مرده هر چند **سگ** دیوانه باشد»

[۱۶۸] **امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، نامه ۴۷، ص ۲۸۶.**

### مخفی بودن قبر

علت این که امام علی (علیه‌السلام) **وصیت** کرد قبرش مخفی باشد، این بوده که از خوارج و **منافقان** ترس داشتند که مبدا آنها **قبر** حضرت (علیه‌السلام) را نبش کرده و **جنازه** را بیرون بیاورند و به ایشان اهانتی بکنند.

[۱۶۹] **مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۳۳۸.**

[۱۷۰] **قطب راوندی، ابن هیبة الله، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۳۴.**

[۱۷۱] **شیخ مفید، محمد بن نعمان، ج ۱، ص ۱۰.**

از مکن قبر امام علی (علیه‌السلام) تنها فرزندان و یاران خاص وی با خبر بودند تا این که **امام صادق (علیه‌السلام)** در زمان **منصور عباسی** در سال ۱۳۵ق. برای نخستین بار مکن قبر را در **نجف اشکاف** ساخت.

[۱۷۲] **شیخ مفید، محمد بن نعمان، ارشاد، ج ۱، ص ۲۶.**

وی از نظر شناخت قرآن و ظهر و بطن و [تنزیل تاویل آن](#)، پس از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) قرآن‌شناس‌ترین بزرگان صدر اول [اسلام](#) است که قرآن‌شناسان بزرگی چون ابن عباس و مجاهد، شاگردان مکتب تفسیری او بوده‌اند. حضرت (علیه‌السلام) دارای مصحف خاصی بوده‌اند. به تعبیر دیگر، پس از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) که تحت اشراف ایشان کلیه سوره‌های قرآن مکتوب ولی نامشروع بوده، اولین تدوین‌کننده [قرآن کریم](#) است (رجوع کنید به [مصحف امام علی \(علیه‌السلام\)](#)). شرف و [فضیلت](#) بی‌همتای او در این است که پس از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم)، هیچ‌کس از [اهل بیت](#) یا [صحابه](#) ایشان نیست، که این همه (در حدود ۳۰۰ فقره) [آیه قرآن](#) به او اشاره داشته باشد. [خطیب بغدادی](#) از [اسماعیل بن جعفر](#)... [و در نهایت] از ابن عباس نقل کرده است که در قرآن ۳۰۰ آیه درباره حضرت علی (علیه‌السلام) نازل شده است.

[۱۷۳] [خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۲۱۹.](#)

[۱۷۴] [خرمشاهی، بهاء الدین، علی بن ابی طالب \(علیه‌السلام\) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۴۸۶.](#)

[ابن حجر هیتمی](#)

[۱۷۵] [هیتمی، ابن حجر، صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۳۵۳.](#)

[۱۷۶] [خرمشاهی، بهاء الدین، علی بن ابی طالب \(علیه‌السلام\) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۴۸۶.](#)

و [شبلنجی](#)،

[۱۷۷] [شبلنجی، مومن بن حسن، نور الابصار، ص ۷۳.](#)

[۱۷۸] [خرمشاهی، بهاء الدین، علی بن ابی طالب \(علیه‌السلام\) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۴۸۶.](#)

از [ابن عساکر](#) و در نهایت از ابن عباس نزول ۳۰۰ آیه را نقل و تایید کرده‌اند.

در این میان آیات [تبلیغ](#)، [اکمال](#)، [موت](#)، [مباهله](#)، آیه مربوط به [اشتراف نفس](#) [در لیلۃ المیتة]، [آیه نجوی](#)، آیاتی در [سوره هل اتی](#) و [آیه اولو الامر](#) در رس این آیات هستند. نیز به تصریح [قالبه مفسران](#) و [متکلمان شیعه](#) و اذعان بعضی از [مفسران اهل سنت](#)، در [قرآن کریم](#) از ایشان به عنوان صالح المؤمنین،

[۱۷۹] [تحریم/سوره ۶۶، آیه ۴.](#)

و ان و اعیه،

[۱۸۰] [حاقه/سوره ۶۹، آیه ۱۲.](#)

و خیر البریه

[۱۸۱] [بینه/سوره ۹۸، آیه ۷.](#)

یاد شده است.

بعضی بزرگان شیعه و سنی، در مورد آیات نازل شده در حق ایشان و نیز سایر اهل بیت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) رسائل و کتابها تدوین کرده‌اند (مثل [تاویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترۃ الطاهرة](#)، اثر [سید شرف الدین استرآبادی](#)، [شواهد التنزیل](#)، [بنا بیع الموده](#)).

[۱۸۲] [خرمشاهی، بهاء الدین، علی بن ابی طالب \(علیه‌السلام\) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۴۸۶.](#)

حضرت (علیه‌السلام) که نزدیکترین یار و همدم و هم سخن رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) بوده، هم ناظر نزول مکرر [وحی](#)، هم کاتب آن، هم حافظ آن و هم مفسر آن بوده است. خود می‌گوید آیتی نیست که نازل شده باشد و من ندانم که کجا و کی آمده است، در [شیب](#) نازل شده است یا در [روز](#)، و در دشت یا در کوه.

[۱۸۳] [سیوطی، الاتقان، چاپ دارالکتب العلمیه، ج ۲، ص ۴۱۲.](#)

[۱۸۴] [خرمشاهی، بهاء الدین، علی بن ابی طالب \(علیه‌السلام\) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۴۸۶.](#)

در [عیون اخبار الرضا](#) از [امام رضا \(علیه‌السلام\)](#) و در نهایت از امام حسین (علیه‌السلام) نقل شده است که امیر المؤمنین (علیه‌السلام) گفته است درباره قرآن هر چه خواهید از من بپرسید تا در مورد هر آیه‌ای بگویم درباره چه کسی و چه هنگامی نازل شده است.

[۱۸۵] [خرمشاهی، بهاء الدین، علی بن ابی طالب \(علیه‌السلام\) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۴۸۶.](#)

چنانکه گذشت، آیاتی که درباره فضائل و مناقب امام علی (علیه‌السلام) نازل شده بسیار است تا جایی که از ابن عباس نقل شده که بیش از ۳۰۰ آیه درباره وی است.

[۱۸۶] [گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب، ص ۲۳۱.](#)

[۱۸۷] [هیتمی، ابن حجر، صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۳۷۳.](#)

[۱۸۸] [قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، بنا بیع الموده، تحقیق سید علی جمال اشرف، ص ۱۲۶.](#)

در اینجا برخی از این آیات یاد می‌شود:

← آیه [مباهله](#)

﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ؛

[۱۸۹] [آل عمران/سوره ۳، آیه ۶۱.](#)

بگو: بیایید تا فرزندانمان و فرزندانان، و زنانمان و زنانان، و جانهایمان و جانهایتان را فراخوانیم، آنگاه (به درگاه خداوند) زاری [=تضرع] کنیم تا لعنت خداوند را بر دروغگویان نهدیم.

در سال ۱۰ در روز [مباهله](#) بنا بر این بود که مسلمانان و [مسیحیان نجران](#) یکدیگر را نفرین کنند، تا خدا دسته دروغگو را عذاب کند. بدین منظور، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم)، علی، [فطمه](#)، [حسن](#) و [حسین](#) را با خود به [صحرا](#) برد. مسیحیان وقتی دیدند وی به قدری مطمئن است که تنها نزدیکترین خویشانش را با خود آورده، بیمناک شدند و پذیرفتند که [جزیه](#) بپردازند.

[۱۹۰] [سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور، ذیل آیه ۶۱، ج ۲، ص ۲۳۳.](#)

[۱۹۱] [زمخشری، ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران، ج ۱، ص ۳۶۸.](#)

[۱۹۲] [طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران، ج ۲، ص ۳۱۰.](#)

[۱۹۳] [طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران، ج ۳، ص ۲۲۳.](#)

← آیه [تطهیر](#)

﴿أَتَمَّا يَرِيذُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛

[۱۹۴] [احزاب/سوره ۳۳، آیه ۳۳.](#)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

بنا بر نظر علمای شیعی، این آیه در خانه ام سلمه همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و هنگام نزول آن علاوه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، علی (علیه السلام)، فاطمه (سلام الله علیهم) و حسین (علیه السلام) هم حاضر بوده‌اند. بعد از نزول آیه تطهیر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، پارچه‌ای (کساء) را که بر آن نشسته بود، بر روی اصحاب کساء یعنی خودش و علی و فاطمه و حسین کشید و دست‌ها را به سوی آسمان بالا برد و عرض کرد: "خدایا! اهل بیت من این چهار نفرند، اینان را از هر پلیدی پاک گردان."

[۱۹۵] ابن بابویه، مجدد بن علی، کتاب الخصال، علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۴۰۳.

[۱۹۶] سید بن قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۵۸۶.

[۱۹۷] طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۵۶.

← آیه مودت

﴿رَبُّ لَا أَسْأَلُكَ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾

[۱۹۸] شوری/سوره ۴۲، آیه ۲۳.

به ازای رسالت، پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان».

ابن عباس می‌گوید: وقتی این آیه نازل شد، به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کردم این کسانی که مودت و محبت آنها واجب شده کیستند؟ حضرت فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین. و این جمله را سه بار تکرار فرمود.

[۱۹۹] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۳.

امام علی در تاریخ و روایت

در اینجا به برخی موارد یاد شده درباره امام علی (علیه السلام) در تاریخ و روایت اشاره می‌کنیم:

← نخستین مسلمان

مشهور شده و حتی به حد تواتر رسیده است، که علی (علیه السلام) نخستین مسلمان بوده است.

[۲۰۰] امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتب و السنة و الاثبات، ج ۳، ص ۱۹۵-۲۱۳.

چنانچه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌گوید: «نخستین کسی که در روز رستخیز با من در حوض (کوثر) ملاقات می‌کند پیشقدم‌ترین شما در اسلام، علی (علیه السلام) است.»

[۲۰۱] نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۶.

همچنین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دخترش حضرت فاطمه (سلام الله علیهم) می‌فرماید: «آیا نمی‌پسندی که تو را تزویج کنم با کسی از میان امتم که پیش از همه اسلام آورده و داناترین و بردبارترین آنهاست؟»

[۲۰۲] ابن حنبل، احمد، فضائل امیر المؤمنین علی بن ابیطالب، ج ۵، ص ۲۶.

← لیلۃ المبیّت

پس از اینکه قریش مسلمانان را آزار و اذیت کردند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به یاران خود فرمان هجرت به مدینه داد، یاران حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در چند مرحله رهسپار مدینه شدند.

[۲۰۳] ابن هشام، محمد بن عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق محی الدین عبدالحمید، ج ۱، ص ۴۸۰.

پس از گردهمایی دار الندوه که نظرات فراوانی میان قریش رد و بدل شد، تصمیم گرفته شد از هر قبیله جوانی شجاع مامور شود تا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در خانه‌اش به قتل برسانند. جبرئیل بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل و ماجرا را بیان کرد و به او دستور داد آن شب را در بستر خویش نخوابد و هجرت کند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) علی (علیه السلام) را در جریان توطئه دشمن قرار داد و به او فرمان داد تا در استراحتگاه وی بخوابد.

[۲۰۴] ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۷۲.

[۲۰۵] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۵۹.

مفسران، شان نزول آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ»

[۲۰۶] بقره/سوره ۲، آیه ۲۰۷.

برخی از مردم برای کسب رضایت الهی، جان خویش را می‌دهند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است». را همین ماجرای لیلۃ المبیّت و در شان امام علی (علیه السلام) می‌دانند.

[۲۰۷] فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، ج ۵، ص ۲۲۳.

[۲۰۸] حاکم حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل، تحقیق محمدباقر محمودی، ج ۱، ص ۱۲۳.

[۲۰۹] قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۷۱.

[۲۱۰] طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۰۰.

← برادری با رسول خدا

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیش از هجرت به مدینه، میان مهاجران، عقد اخوت برقرار کرد. سپس در مدینه میان مهاجران و انصار عقد اخوت بست و هر دویار به علی (علیه السلام) فرمود: تو برادر منی در دنیا و آخرت؛ و میان او و خودش عقد اخوت بست.

در یکی از روزهای سال ۷ق. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و علی (علیه السلام) نماز ظهر را خواندند، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، علی (علیه السلام) را برای کاری فرستاد در حالی که علی (علیه السلام) نماز عصر را نخوانده بود. وقتی علی (علیه السلام) برگشت، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سرش را در دامن او گذارد و خوابید تا این که خورشید غروب کرد. وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از خواب بیدار شد دعا کرد: "خدایا بنده تو علی، خود را برای پیامبرش نگه داشت، تابش خورشید را بر او بازگردان." در این هنگام خورشید بازگشت، پس علی (علیه السلام) برخاست و وضو گرفت و نماز عصر را خواند و خورشید دوباره غروب کرد.

[۲۱۱] امینی، عبدالحسین، الغیبر فی الکتب و السنة و الادب، ج ۳، ص ۱۴۰.

[۲۱۲] شوشتری، نورالله، لحاق الحق، ج ۵، ص ۵۲۲.

## ← ابلاغ سوره برائت

آیت ابتدایی سوره توبه که بیانگر این بود که مشرکین چهار ماه فرصت دارند که به آیین توحید بگردند و در زمره مسلمانان قرار خواهند گرفت ولی اگر بر لجاجت و عناد خود باقی بمانند، باید آماده نبرد شوند و بدانند که در هر جا دستگیر شوند کشته خواهند شد، هنگامی نازل شد که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تصمیم به شرکت در مراسم حج نداشت. از اینرو طبق فرمان الهی که: "این پیامها را باید خود پیامبر و یا کسی که از اوست به مردم برساند و غیر از این دو نفر، کسی برای این کار صلاحیت ندارد."،

[۲۱۳] ابن هشام، محمد بن عبدالمک، السیره النبویه، تحقیق محی الدین عبدالحمید، ج ۴، ص ۵۴۵.

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)، علی (علیه السلام) را خواست و به او فرمان داد که به مکه رفته و در محل منی در روز عید قربان، آیت سوره برائت را به مشرکان ابلاغ نماید.

[۲۱۴] طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۲۳.

[۲۱۵] ابن هشام، محمد بن عبدالمک، السیره النبویه، تحقیق محی الدین عبدالحمید، ج ۴، ص ۹۷۰.

حدیث حق: پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «علی مع الحق و الحق مع علی؛ علی همیشه با حق و حق هم با علی است».

[۲۱۶] بحرانی، سیدهاشم، غایه المرام، تحقیق سیدعلی عاشور، بلب ۳۶۰.

## ← سدالابواب

سد الابواب: (یعنی بستن درها) پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دستور داد همه درهای خانه‌ها را به طرف مسجدالنبی بستند جز در خانه علی (علیه السلام). وقتی از حضرت (صلی الله علیه و آله وسلم) علت را سؤال کردند، فرمود: "من مامور به بستن این درها، جز در خانه علی بودم، اما در این باره سخننا گفته شده است. به خدا سوگند! دری را نبستم و نگشودم مگر آنکه مامور به آن شدم و از آن اطاعت کردم."

[۲۱۷] متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۵.

## سرسلسله علوم مسلمانان

ابن ابی الحدید از علمای قرن ۷ق. اهل سنت، در مقدمه شرحش بر نهج البلاغه می‌گوید: چه بگویم درباره مردی که دشمنان به فضائش معترف بوده و نتوانستند آن را انکار یا پنهان کنند. همگان می‌دانند که بنی امیه به شرق و غرب ممالک اسلامی دست یافتند و با هر حبله و توانی کوشیدند که نور عظمتش را خاموش کنند و احادیث فراوانی در قرح و نم او جعل کردند، و بر تمام منبرها او را لعن کردند و ستایندهانش را نه تنها تهدید که زندانی کردند و کشتند، و از نقل روایتی که بیانگر فضیلتش یا بالا رفتن نامش بود منع کردند؛ حتی از اینکه کسی فرزندش را علی بنامد جلوگیری کردند. اما همه اینها اثری نداشت جز اینکه نام او بالاتر و برتر رود. او چون مشکی بود که هر چه بیشتر پوشانده شود فضا را بیشتر عطر آگین می‌کند.

[۲۱۸] ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۶-۱۷.

در نقل ترجمه عبارات ابن ابی الحدید در این بخش از کتاب «معارف و معاریف» اثر سیدمصطفی حسینی دشتی، ذیل منحل «علی بن ابی طالب» استفاده شده است. وی در ادامه می‌نویسد: چه بگویم درباره کسی که سررشته هر فضیلت و منبع هر امتیاز انسانی است و هر فرقه و گروهی خود را به وی منتهی داند و به انتساب به او مباحث کند که او سرچشمه همه امتیازات بوده و در این میدان گوی سبقت را از همگان ربوده و پیشتاز این معرکه است.

[۲۱۹] ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۷.

## ← علم کلام

علم الهیات و شناخت صفات باری تعالی که اشرف علوم است بین تفصیل آن از آن حضرت آغاز شده، و اهل نظر و استدلال این فن شاگردان او بوده‌اند. معتزله که اهل توحید و عدل‌اند، شاگردان و اصحاب اویند. زیرا سرسلسله آنها و اصل بن عطاء، شاگرد ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه است و ابوهاشم، شاگرد پدرش است، و پدرش شاگرد امام علی (علیه السلام) است.

اشاعره نیز به آن حضرت منتهی می‌گردند که بنیانگذار این فرقه ابوالحسن علی بن (اسماعیل بن) ابی بشر اشعری است و او شاگرد ابو علی جبائی است و او یکی از اساتید معتزله است. پس اشاعره نیز سرانجام به استاد معتزله می‌رسند که او امام علی (علیه السلام) است. انتساب امامیه و زیدیه روشن و بی‌نیاز از توضیح است.

## ← علم فقه

امام علی پایه و اساس علم فقه است و هر فقهی در اسلام ریزه خوار خوان نعمت او بوده است. استناد فقه شیعه به آن حضرت واضح است و حاجت به بیان نیست. باران ابوحنیفه مانند ابویوسف، محمد و جز اینها فقه را از ابوحنیفه گرفته‌اند. احمد بن حنبل، شاگرد شافعی بوده و او فقه را از ابوحنیفه فر گرفته و خود ابوحنیفه شاگرد امام صادق



**(علیه‌السلام)** و او از پدرش امام باقر **(علیه‌السلام)** و او از پدرش تا اینکه باز به امام علی **(علیه‌السلام)** می‌رسد. **مالک بن انس**، فقه خود را از **ربیعۃ الزای** گرفته و ربیعۃ شاگرد عکرمه و وی شاگرد **عبدالله بن عیسی** و او شاگرد علی **(علیه‌السلام)** بوده است. می‌توان **فقه شافعی** را با توجه به اینکه وی شاگرد مالک بوده به امام علی **(علیه‌السلام)** منسوب کرد. بدین طریق، فقهاء اربعه اهل سنت به امام علی **(علیه‌السلام)** منسوب می‌شوند. فقهای **صحابیه**، **عمر بن خطاب** و عبدالله بن عباس هر دو علم خود را از امام علی **(علیه‌السلام)** گرفته‌اند. شاگردی ابن عباس روشن است. همگان می‌دانند که عمر نیز در بسیاری از مسائل دشوار به امام مراجعه کرده است و بیش از یکبار گفته است که «لولا علی لهلك عمر؛ اگر علی نبود عمر نابود می‌شد» و «خدا نکند مسأله مشکلی برایم پیش آید که ابوالحسن [کنیه امام علی] در کنارم نباشد» و نیز می‌گفته: «تا گاهی که علی در **مسجد** حاضر است کسی حق ندارد **فتوا** دهد». بنابراین، بدین طریق نیز روشن می‌شود که فقه اسلام به او منتهی می‌شود. **شیعه و سنی** از پیامبر **(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** نقل کرده‌اند که افضاکم علی؛ قاضی‌ترین شما علی است». و با توجه به اینکه قضاء، جزء علم فقه است لذا بدین طریق نیز علی، فقیه‌تر از بقیه صحابه است.

[۲۲۰] **ابن ابی الحدید معتزلی**، **عبدالحمید**، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸.

#### ← تفسیر و قرانت

آن حضرت پایه‌گذار **علم تفسیر** بوده و هر که به تفسیر رجوع کند این دعوی را به روشنی می‌یابد خواه آن بخش از آیت که مستقیماً از آن جنب تفسیر شده و خواه آن قسمت که تفسیر آن از **ابن عباس** آمده است؛ چرا که او نیز از آن حضرت گرفته است. از ابن عباس سؤال شد: علم تو در برابر علم پسر عمویت [یعنی امام علی **(علیه‌السلام)**] چه نسبتی دارد؟ وی گفت: همان نسبت که قطره **باران** به دریای بی‌کران دارد.

[۲۲۱] **ابن ابی الحدید معتزلی**، **عبدالحمید**، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹.

بنا به گفته ابن ابی الحدید، همه پیشوایان **علم قرانت** قرآن، همچون **ابو عمرو بن علاء** و **عاصم بن ابی نجود** و غیر این دو سند قرانتشان به امیرالمؤمنین **(علیه‌السلام)** می‌رسد. چرا که قرانتشان به **ابو عبدالرحمان سلمی** می‌رسد که او نیز شاگرد امام **(علیه‌السلام)** بوده و قرآن را از او فراگرفته است.

[۲۲۲] **ابن ابی الحدید معتزلی**، **عبدالحمید**، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷-۲۸.

#### ← علم طریقت

صاحبان **علم طریقت** و حقیقت و احوال **تصوف** سندشان را به امام علی **(علیه‌السلام)** می‌رسانند و خرقة که شعار **صوفیه** است بر این امر دلالت می‌کند.

#### ← ادبیات عرب

ابن ابی الحدید می‌گوید: همگان می‌دانند که امام علی **(علیه‌السلام)** مبتکر و مخترع **علم نحو** و **ادبیات عرب** بوده است و او قواعد کلی آن علم را به **ابو الاسود دثلی** **املاء** نموده است. از جمله قواعدی که او به ابو الاسود آموخت اینهاست: کلام سه قسم است: **اسم**، **فعل** و **حرف**؛ تقسیم کلمه به **معرفه** و **نکره**؛ تقسیم وجوه اعراب به رفع، نصب، جر و جزم.

[۲۲۳] **ابن ابی الحدید معتزلی**، **عبدالحمید**، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۰.

#### ← فصاحت و بلاغت

از نظر فصاحت و پیشوای فصحا و سرور بلغا بوده و چنانکه درباره کلام آن حضرت گفته شده: «دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق/ سخنان او پائین‌تر از کلام خدا و بالاتر از کلام مخلوق است» و گویاترین شاهد این دعوی **نهج البلاغه** آن حضرت است. **عبدالحمید بن یحیی** گفته است که ۷۰ خطبه از خطبه‌های وی را از بر کرده است و جوشش ادبی وی از آنها آغاز شده است. **ابن نباته** گفته است از خطبه‌ها گنجی از بر کردم که هر چه از آن بردارم کم نمی‌شود و بلکه افزون می‌شود، صد فصل از موعظه‌های علی بن ابی طالب را از بر کردم.

[۲۲۴] **ابن ابی الحدید معتزلی**، **عبدالحمید**، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴.

#### ویژگیهای اخلاقی امام

در اینجا به برخی از ویژگی‌های اخلاقی امام علی **(علیه‌السلام)** اشاره می‌شود.

#### ← جود و سخاوت

وی **روزه** می‌داشت و افطارش را به مستمندان می‌داد که آیه «ویطعمون العظام علی حبه مسکینا...» درباره او نازل شد. مفسران گفته‌اند که یک روز علی تنها چهار درهم داشت که یکی از آنها را در **شب** و یکی از آنها را در **روز** و درهم سوم را به پنهانی و چهارم را آشکار صدقه می‌داد که آیه «الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرا و علانیه»، در این باره فرود آمد. گفته‌اند که به دست خود خرماستان **یهود مدینه** را آبیاری می‌نمود چنانکه دستش پینه زد و مزد آن را **صنقه** می‌داد و خود **سنگ** به **شکم** می‌بست. گویند: هیچگاه به سانلی «نه» نگفت. روزی **محقن بن ابی محقن** بر معاویه وارد شد، معاویه به وی گفت از کجا می‌آیی؟ وی به منظور خوش آمد معاویه گفت: از نزد بخیل‌ترین مردم یعنی علی **(علیه‌السلام)** می‌آیم. معاویه گفت: وای بر تو چگونه این را درباره کسی می‌گویی که اگر انباری انباشته به زر و انباری از کاه داشته باشد انبار زرش را پیش از انبار کاهش به مصرف مستمندان رساند؟!!

[۲۲۵] **ابن ابی الحدید معتزلی**، **عبدالحمید**، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۱-۲۲.

ابن ابی الحدید می‌گوید: امام علی (علیه‌السلام) در **حلم** و گذشت و بزرگواری و چشم‌پوشی از بز هکار، از هر کسی حلیم‌تر بوده چنانکه واقعه **جمل** بهترین گواه این مدعا است. هنگامی که به **مروان حکم** که دشمن‌ترین **دشمن** او بود دست یافت وی را آزاد ساخت و از آن تقصیر بزرگش درگذشت. **عبدالله بن زبیر** در ملا عام به امام ناسزا می‌گفت، و موقعی که عبدالله با سپاه **عایشه** به **بصره** آمد خطبه خواند و عبدالله در خطبه هر چه به زبانش آمد گفت حتی گفت: اکنون پست‌ترین و فرمایم‌ترین مردم علی بن ابی طالب به شهر شما می‌آید. ولی حضرت چون به وی دست یافت از او گذشت نمود و تنها به وی گفت: برو که تو را نبینم. همین‌طور به **سعید بن عاص** - که از دشمنانش بود- پس از جنگ جمل در مکه دست یافت ولی از او روگرداند و چیزی بدو نگفت.

رفتار او با عایشه پس از جنگ جمل مشهور است که چون بر او پیروز گردید وی را گرمی داشت و چون خواست به مدینه باز گردد بیست زن از **قبیله عد قیس** که همگی **لیس** مرد پوشیده و هر یک شمشیری حمایل داشت با وی کرد تا به مدینه رسید در حالی که عایشه در بین راه پیوسته به حضرت ناسزا می‌گفت که وی **هتک حرمت** من نموده و مردانی از یاران خویش به همراه من فرستاده است و چون به مدینه رسیدند آن زنان به وی گفتند: ببین ما همه زنییم که با تو بودیم.

مردم بصره که به یاری عایشه با وی جنگیده بودند و جمعی از یارانش را کشته بودند پس از پایان جنگ همه را آزادی داد و سپاه خویش را فرمود کسی متعرض آنها نگردد و هر که سلاحش به زمین نهد آزاد است، نه اسیری از آنها گرفت و نه مالی را از آنها به غنیمت بستد و همان کرد که پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در **فتح مکه** با مکیان کرد. لشکر یان معاویه در صفین **ایب** بر لشکر یان امام بستند و میان سپاه او و شریعه **فرات** حائل شدند و سران لشکر معاویه می‌گفتند: باید علی و سپاهش را **تشنه** از دم تیغ بگذار نیم چنانکه او عثمان را تشنه به **قتل** رساند. سپس لشکر علی (علیه‌السلام) نبرد کردند و آب را از آنها باز پس گرفتند. در اینجا لشکر یان امام نیز گفتند نگذاریم سپاه معاویه قطره‌ای بنوشند تا همگی بی‌رنج نبرد از تشنگی بمیرند. حضرت فرمود: ابتدا ما چنین نکنیم، بگذارید از بخشی از فرات استفاده کنند.

[۲۲۶] **ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۲-۲۴.**

## ← خوشرویی

وی از حیث خوشروئی و بشاشت **ضرب‌المثل** بوده چنانکه دشمنانش این صفت را بر او عیب می‌گرفتند. **صعصعة بن صوحان** و دیگر یاران آن حضرت می‌گفتند: علی (علیه‌السلام) در میان ما مانند یکی از ما بود که هیچ‌گونه امتیازی برای خود قائل نبود ولی در عین فروتنی و تواضعی که داشت آنچنان مهیب بود که ما در برابرش بسان اسیر دست و پا بسته‌ای بودیم که زیر دست مردی **شمشیر** به دست باشد.

[۲۲۷] **ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۵.**

## ← جهاد در راه خدا

دوست و دشمن معترفند که وی سرور مجاهدان بوده و در برابر او کسی شایسته این نام نباشد، همه می‌دانند که سخت‌ترین و سنگین بارترین نبرد اسلام با **مشرکان جنگ بدر** بوده که در آن معرکه هفتاد تن از مشرکان به قتل رسیدند. نیمی از آنها به دست علی (علیه‌السلام) کشته شد و نیم دیگر را همه مسلمانان به یاری **ملانکه** کشتند. مواقف آن حضرت در **احد** و **احزاب** و **خیبر** و **حنین** و دیگر غزوات شهره تاریخ است و نیازی به بیان ندارد و همچوم شناخت امور ضروری است مثل علم ما به وجود **مکه** و **مصر** و غیره.

## ← شجاعت

وی یکه تاز میدان **شجاعت** بوده که پیشینیان را از یاد مردم ببرد و پسینیان را در خود محو ساخت. مواقف علی (علیه‌السلام) در جنگها آنچنان شهره تاریخ است که تا **قیامت** بدان مثل زنند. دلیر مردی که هرگز فرار نمود و از انبوه سپاهی مرعوب نگشت و با کسی در نیویخت که او را به دیار عم نفرستد و هیچگاه ضربتی نزد که به دومین نیاز باشد، و هنگامی که معاویه را به مبارزه خواند تا هر یک از آن دو کشته گردند مردم آسوده شوند، **عمر و عاص** به **معاویه** گفت: علی با تو از در انصاف در آمده؛ معاویه به وی گفت: از روزی که با من بوده‌ای هرگز این گونه به من نیرنگ زده‌ای! تو مرا به نبرد کسی امر می‌کنی که هرگز کسی از چنگال او نرسته! چنان پندارم که به حکومت شام پس از من دل بسته‌ای!

ملت عرب همواره بدین مباحث می‌نمودند که روزی در جنگ روبروی او قرار گرفته و یا فلان خویش من به دست علی کشته شده است. روزی معاویه بر سریر خود خفته بود ناگهان چشم گشود **عبدالله بن زبیر** را کنار خود دید، بنشست و عبدالله از شوخی به وی گفت: یا **امیر المؤمنین** اگر موافقی تا با یکدیگر کشتی بگیریم؟ معاویه گفت: همان‌ای عبدالله می‌بینم از دلیر مردی و شجاعت دم می‌زنی! عبدالله گفت: مگر تو منکر شجاعت منی؟ من کسی بودم که به مصاف علی رفتم و با او هم نبرد شدم. معاویه گفت: هرگز چنین نبوده و اگر تو لحظه‌ای در برابر علی (علیه‌السلام) می‌ایستادی تو و پدرت را به دست چپش می‌گشت و دست راستش همچنان فارغ منتظر مبارزه می‌بود.

[۲۲۸] **ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۱-۲۰.**

## ← عبادت

علی (علیه‌السلام) عابدترین مردم و **نماز** و روزه‌اش بیشتر از همه بود. مردم **نماز شب**، مداومت به اوراد و نماز مستحب را از او آموختند. و چه می‌پنداری مردی را که محافظتش بر نمازهای مستحبی چنان بود که در **جنگ صفین** در شب **لیلة الیهیر** میل دو صف، بساطی برایش انداخته بودند و در حالی که تیرها از چپ و راست بناگوشش رد می‌شد بدون هیچ ترسی به نماز مشغول بود. پیشانی‌اش از کثرت سجود بسن زانوی شتر بود. هر که در دعا و مناجات‌های او به دقت بنگردد و تعظیم و بزرگی **خداوند** سبحان را و **فروتنی** برای هیبت او و **خشوع** برای عزتش و خلکساری در برابر او را ببیند به **اخلاص** نهفته در آنها پی می‌برد و می‌داند که از چه دلی برخاسته و بر چه زبانی جاری شده.

[۲۲۹] **ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷.**

## ← زهد

علی (علیه‌السلام) سردار زاهدان بوده و هر که می‌خواست در این میدان گام نهد او را مد نظر داشت. علی هرگز **شوک** خود را از غذا سیر ننمود، غذا و پوشاکش خشن‌ترین‌ها بود. **عبدالله بن ابی‌رافع** گوید: روز عیدی بر علی (علیه‌السلام) وارد شدم همین سر به مهری نزش دیدم. چون آن را بگشود دیدم **نان** خرده‌های جوین سیوس ناگرفته‌ای است. مشغول خوردن شد، گفتم: یا امیر المؤمنین چرا آن را مهر نموده‌اید؟ فرمود از بیم آنکه فرزند نام این ناناها را به چربی یا روغن زیتونی بیالایند.

جمله‌اش گاهی به پوست و گاهی به لیف خرما وصل شده بود. نعلینش همواره لیف بود خشن‌ترین کرباس می‌پوشید. نان خورش او اگر بود **سیرکه** یا **نمک** بود و اگر احیاناً فراتر از این

میرفت برخی از گیاهان زمین بود و اگر فراتر میرفت اندکی شیر شتر بود. گوشت نمی‌خورد مگر اندکی و می‌فرمود: شکمتان را گورستان حیوانات مسازید. با این حال، نیرومندترین مردم بود و گرسنگی از توانایی‌اش نمی‌کاست. او دنیا را ترک کرده بود در حالی که اموال سرتاسر سرزمین اسلام بجز شام به سوی او سرازیر می‌شد ولی همه را بین مردم تقسیم می‌کرد.

[۲۲۰] این ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۶.

## آثار

برخی از آثار مکتوب و تالیفاتی که سخنان امام علی (علیه‌السلام) را گردآوری کرده و آن را شرح داده‌اند به شرح ذیل هستند:

### ← نهج البلاغه

مشهورترین اثر گردآوری شده از سخنان و نوشته‌های امام علی (علیه‌السلام) کتاب نهج البلاغه است که **سید رضی** از **علمای قرن چهارم** هجری آنها را جمع‌آوری کرده است. نهج البلاغه، پس از قرآن، مقدس‌ترین متن دینی شیعه و برجسته‌ترین متن ادبی عرب است. این کتاب در سه بخش شامل خطبه‌ها و نامه‌ها و برخی از سخنان کوتاه امام علی (علیه‌السلام) است که در موقعیتهای گوناگون بیان فرموده یا برای افراد مختلف نوشته است:

# خطبه‌ها شامل ۲۳۹ خطبه است و از نظر زمانی به سه بخش تقسیم می‌شود؛ الف: قبل از حکومت. ب: در هنگام خلافت. ج: بعد از خلافت.

# نامه‌ها شامل ۷۹ نامه است و تقریباً تمام آنها در زمان خلافت آن حضرت نوشته شده‌اند.

# کلمات قصار یا قصارالحکم شامل ۴۸۰ کلام است.

برخی از شرحهای نهج البلاغه، عبارتند از: شرح **ابن ابی‌الحدید معتزلی**، شرح **محمد عبده**، شرح **محمدتقی جعفری**، شرح **فخر رازی**، **منهاج البراهه** خوبی و شرح نهج البلاغه از **محمد باقر نواب لاهیجانی**.

[۲۲۱] ضمیری، مجربضا، کتابشناسی تفصیلی مذاهب اسلامی، ص ۳۶۵-۳۶۷.

با توجه به اینکه «نهج البلاغه»، برگزیده سخنان امام (علیه‌السلام) است و نه همه آنها، از این‌رو، برخی از محققان در پی گردآوری همه سخنان وی برآمده‌اند که این کتابها اصطلاحاً نهج البلاغه مسترکت نهج البلاغه نامیده می‌شوند.

### ← غرر الحکم و درر الکلم

**غرر الحکم و درر الکلم** به همت **عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی** از **علمای قرن پنجم** هجری جمع‌آوری شده است.

در غرر الحکم حدود ۱۰۷۶۰ سخن از امام (علیه‌السلام) به صورت الفبایی در موضوعات: روایت اعتقادی، روایت عبادی، روایت اخلاقی، روایت سیاسی، روایت اقتصادی و روایت اجتماعی، گرد آمده است.

[۲۲۲] ضمیری، مجربضا، کتابشناسی تفصیلی مذاهب اسلامی، ص ۳۷۵.

### ← دستور معالم الحکم

**دستور معالم الحکم و ماثور مکارم الشیخ**، توسط قاضی قضایای جمع‌آوری شده است.

او از علمای شافعی مذهب قرن ۶ قمری است و در میان **اهل حدیث** دارای اعتبار است، البته برخی قاضی را شیعه قلمداد کرده‌اند.

[۲۲۳] نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۷.

کتاب دستور معالم الحکم در ۹ باب نوشته شده است. در حکمت‌های سودمند آن حضرت، در سرزنش دنیا و بی‌میلی آن حضرت به آن، در موعظه‌ها، در وصیتهای و نواهی، در پاسخهای آن حضرت به پرسشها، در کلام غریب آن حضرت، در سخنان نادر آن حضرت، در دعاها و **مناجات** آن حضرت و در شعری که از آن حضرت به دست ما رسیده است.

[۲۲۴] قاضی قضایای دستور معالم الحکم، ترجمه فیروز حریری، مقدمه کتاب، ص ۱۳.

### ← تالیفات دیگر

برخی از دیگر تالیفاتی که کلام امام علی (علیه‌السلام) را گرد آورده است، عبارتند از:

- **نثر اللالی** نوشته ابو علی **فضل بن حسن طبرسی**
- **مطلوب کل طالب من کلام امیر المؤمنین علی بن ابیطالب** (علیه‌السلام)، انتخاب جاحظ، شرح رشید و طواط
- **قلاند الحکم و فراند الکلم** گردآوری شده توسط قاضی ابو یوسف یعقوب بن سلیمان اسفراینی
- **امثال الامام علی بن ابیطالب**، سخنان و نامه‌های امام علی (علیه‌السلام) در کتاب صفین **نصر بن مزاحم**.

### اصحاب امام

• **سلمان فارسی** از برترین یاران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امام علی (علیه‌السلام) است. **احادیث** فراوانی از **معصومین (علیهم‌السلام)** درباره وی رسیده است؛

[۲۲۵] مجلسی، **مجددباقر، بحار الانوار**، ج ۲۲، ص ۳۴۳.

از جمله این که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: "سلمان از ما اهل بیت است."

[۲۲۴] [شیخ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۷۰.](#)

• [ابوذر غفاری](#)، (جندب بن جناده) معروف به ابوذر غفاری چهارمین شخصی است که به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) [ایمان](#) آورد.

[۲۲۷] [ابن سعد بخاری، محمد، طبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۲۴.](#)

وی در دفاع از حق امام علی (علیه السلام) بر ولایت در آغاز از [بیعت با ابوبکر](#) سر باز زد.

[۲۲۸] [یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۴.](#)

• [مقداد بن عمرو](#)، (مقداد بن اسود کنندی) از جمله هفت نفری است که در ابتدای [بیعت](#) رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به او ایمان آورد و [مسلمان](#) شد. پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) مقداد از جمله کسانی بود که با ابوبکر بیعت نکرد و در طول ۲۵ سال سکوت امام علی (علیه السلام)، همواره همراه ایشان بود.

[۲۲۹] [یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۴.](#)

• [عمار یاسر](#) از اولین کسانی است که به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان آورد و همراه اولین گروه از مسلمانان که به [حیثه](#) هجرت کردند، به آن دیار رفت و پس از هجرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به آن حضرت پیوست. وی پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) همچنان در راه دفاع از اهل بیت (علیه السلام) و امام علی (علیه السلام) استوار ماند، و در دوران حکومت [عمر بن خطاب](#)، منتهی [امارت کوفه](#) را عهده دار بود ولی چون فرد عادل و ساده زیستی بود، عده‌ای زمینه برکناری او را فراهم آوردند که سپس به مدینه برگشت و در کنار علی (علیه السلام) ماند و از او بهره برد.

[۲۴۰] [کمپانی، فضل الله، علی کیست، ص ۴۱۲.](#)

• [مالک اشتر نخعی](#)، مالک بن حارث عبد یغوث نخعی، معروف به مالک اشتر، در [بین](#) به دنیا آمد. او اول کسی بود که با امام علی (علیه السلام) بیعت کرد. در جنگهای [جمل](#)، [صفین](#) و [نهروان](#) از فرماندهان علی (علیه السلام) بود.

[۲۴۱] [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۵۶۵.](#)

• [ابن عبّاس](#)، (عبدالله بن عباس)، پسر عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امام علی (علیه السلام) است. او احادیث بسیاری از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل کرده است.

[۲۴۲] [شیخ مفید، محمد بن نعمان، امالی، ص ۱۴۰.](#)

ابن عبّاس در دوران خلفا، همواره علی (علیه السلام) را شایسته مقام خلافت میدانست، و در دوران حکومت امام علی (علیه السلام) در جنگهای [جمل](#)، [صفین](#) و [نهروان](#) به کمک امام (علیه السلام) شتافت و از طرف امام استاندار [بصره](#) بود.

[۲۴۳] [شیخ مفید، محمد بن نعمان، جمل، ص ۲۲۳.](#)

[۲۴۴] [ابن مزاحم، نصر، وقعة صفین، ص ۱۰۵.](#)

[۲۴۵] [ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۷۳.](#)

[۲۴۶] [ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۹۳.](#)

• [کمیل بن زیاد](#)، کمیل بن زیاد نخعی از [تابعین](#) اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و از یاران خاص امام علی (علیه السلام) و [امام حسن \(علیه السلام\)](#) می باشد.

[۲۴۷] [راوندی، قطب الدین، منهاج البراعه، ج ۲۱، ص ۲۱۹.](#)

[۲۴۸] [شیخ مفید، محمد بن نعمان، اختصاص، ص ۷.](#)

او از جمله شیعیانی است که در روزهای اول خلافت حضرت علی (علیه السلام) با او بیعت کرد و در جنگهای امام علی (علیه السلام) علیه دشمنان جنگید.

• [محمد بن ابی بکر](#)، (فرزند خلیفه اول) در سال دهم هجری به دنیا آمد. او از اصحاب خاص امام علی (علیه السلام) بود که [اعتقاد](#) داشت خلفای پیشین حق علی (علیه السلام) را پایمال کرده و می گفت کسی سزاوارتر از آن حضرت برای احراز مقام خلافت نیست.

[۲۴۹] [شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، ج ۷، ص ۴۹۵.](#)

محمد در دوران خلافت امام علی (علیه السلام) در جنگهای [جمل](#)، [صفین](#) امام (علیه السلام) را یاری کرد. او در [رمضان](#) سال ۳۶ هجری حاکم مصر شد و در [صفر](#) سال ۳۸ هجری توسط سپاه معاویه کشته شد.

[۲۵۰] [تقی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۱، ص ۲۲۴.](#)

[۲۵۱] [تقی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۱، ص ۲۸۵.](#)

[۲۵۲] [زرکلی، خیرالدین، الاعلام، ج ۶، ص ۲۲۰.](#)

• [میثم تمار](#)، میثم تمار آسندی کوفی، از اصحاب خاص امام علی (علیه السلام) و حسنین (علیه السلام) است. او جزء [شرطه الخمیس](#) بود. این گروه مردانی بودند که با حضرت علی (علیه السلام) پیمان بسته بودند در جنگها تا پای جان، آن حضرت را یاری و همراهی کنند.

[۲۵۳] [برقی، احمد بن محمد، رجال برقی، تحقیق محنت ارموی، ص ۳.](#)

• [اوین قرنی](#)، اوین بن عامر مرادی قرنی، از زهاد مشهور بود، او در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان آورد.

[۲۵۴] [ابن اثیر، علی بن محمد، اسدالغابه، ج ۱، ص ۱۵۱.](#)

اوین از یاران خاص امام علی (علیه السلام) بود و با حضرت بیعت کرد که تا پای جان از او [دفاع](#) کند و در یاری دادن او هرگز پشت به جنگ نکند.

[۲۵۵] [شیخ مفید، محمد بن نعمان، الجمل، ص ۵۲.](#)

• [زید بن صوحان](#)، زید بن صوحان عبیدی از اصحاب امام علی (علیه السلام) بود که در جنگهای امام (علیه السلام) علیه دشمنان شرکت کرد و سرانجام در جنگ [جمل](#) توسط سپاه [ناکثین](#) کشته شد.

[۲۵۶] [شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۲۸۹.](#)

• [صعصعة بن صوحان](#)، صعصعة بن صوحان عبیدی از اصحاب امام علی (علیه السلام) بود که در جنگهای امام (علیه السلام) شرکت کرد.

[۲۵۷] [ابن اثیر، علی بن محمد، اسدالغابه، ج ۳، ص ۲۰.](#)

او از اولین کسانی بود که بعد از [مرگ](#) عثمان، با امام علی (علیه السلام) بیعت کرد.

[۲۵۸] [یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹.](#)

- ابراهیم بن محمد تقی، الغارات، تحقیق ارموی.
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، قم: منشورات مکتبۃ آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق (نسخه موجود در لوح فشرده مکتبۃ اهل البیت نسخه دوم).
- ابن ابی الفتح اربلی، کشف الغمه، دار الاضواء، بیروت.
- ابن اثیر، اسد الغابه، تحقیق محمد ابراهیم بنا، دار الشعب، قاهره.
- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت.
- ابن اعثم، الفتوح، دار الندوه، بیروت.
- ابن بابویه، کتلب الخصال، علی اکبر غفاری، جامع مدرسین، قم.
- ابن حنبل، احمد، فضائل امیر المؤمنین علی بن ابیطالب، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، قم، دار التفسیر، ۱۴۳۳ ق.
- ابن سعد، طبقات الکبری، دار صادر، بیروت.
- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، مکتبۃ حیدریه، نجف.
- ابن صبیح مالکی، الفصول المهمه، تحقیق سامی الغریری، در الحدیث، قم.
- ابن عبدالبر، الاستیعاب، تحقیق علی محمد بجاوی، دار الحیل، بیروت.
- ابن فقیه همدانی، اخبار البلدان، تحقیق یوسف الهادی، عالم الکتب، بیروت.
- ابن قتیبه دینوری، الامامة والسیاسة، تحقیق علی شیری، قم: شریف رضی، ۱۴۱۳ق/۱۳۷۱ش.
- ابن مزاحم، وقعة صفین، انتشارات بصیرتی، قم.
- ابن مغزلی، مناقب علی بن ابی طالب، مکتبۃ اسلامیة، تهران.
- ابن ندیم بغدادی، فهرست ابن ندیم، تحقیق رضا تجدد.
- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق کاکلم مظفر، مکتبۃ حیدریه، نجف.
- احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی، مکتبۃ القدسی، قاهره.
- احمد حنبل شیبانی، مسند احمد بن حنبل، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- اسکافی، المعیار و الموازنة فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، محمدباقر محمودی، بیروت.
- اشعری، مقالات الاسلامیین، دار النشر، بیروت.
- النسائی، السنن الکبری، ج ۵، تحقیق: دکتور عبدالغفار سلیمان البنداری وسید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱م.
- امین، سید حسن، اعیان الشیعة، ج ۲، حقه وخرجه: السید حسن الامین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۹۹۸ق/۱۴۱۸م.
- امین، سیره معصومان، ترجمه علی حجتی، انتشارات سروش، تهران.
- امینی، الغدیر، دار الکتب العربی، بیروت.
- امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتب و السنة و الانب، ج ۹، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۳۹۷-۱۹۷۷م.
- آبی ابوسعید، من نثر الدر، وزاة الثقافة سوریه، دمشق.
- آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تجدید نظر و اضافت از: ابوالقاسم گرگی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- بحرانی، غایة المرام، تحقیق سیدعلی عاشور، موسسه تاریخ العربی، بیروت.
- برقی، رجال برقی، تحقیق محنت ارموی، دانشگاه تهران، تهران.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت: موسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ق/۱۹۷۴م.
- پیشوایی، سیره پیشوایان، انتشارات توحید، قم.
- جعفریان، تاریخ خلفاء، انتشارات دلیل ما، قم.
- جوهری، الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور، دار العلم للملایین، بیروت.
- حاکم حسکائی، شواهد التنزیل، تحقیق محمدباقر محمودی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
- حاکم نیشابوری، المستدرک، تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی.
- حلبی، السیره الحلبیه، دار المعرفه، بیروت.
- حلبی، تذکره الفقهاء، موسسه آل البیت، قم.
- حموی، جوینی، فراند السمطین، تحقیق محمدباقر محمودی، موسسه محمودی، بیروت.
- حویزی، تفسیر نور الثقلین، تحقیق رسولی محلاتی، موسسه اسماعیلیان، قم.
- خرمشاهی، بهاء الدین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، تهران: دوستان-ناهیید، ۱۳۷۷.
- خلیفه بن خیاط العسفری، تاریخ خلیفة بن خیاط، تحقیق سهیل زکار، دار الفکر بیروت.
- رشیدرضا، تفسیر المنار، دار المعرفه، بیروت.
- ری شهری، موسعه الامام علی ابن ابی طالب، دار الحدیث، قم.
- زبیدی، تاج العروس، تحقیق علی شیری، دار الفکر، بیروت.
- زرکلی، الاعلام، دار العلم للملایین، بیروت.
- زمخشری، الکشاف عن حقائق التنزیل، مکتبۃ البابی حلبی، قاهره.
- سلیمان بن عبدالوهاب، فصل الخطب، نخبة الاخبار، بمبئی.
- سید بن طاوس، اقبال الاعمال، تحقیق جواد قیومی، مکتب اعلام الاسلامی.
- سید قطب، فی ظلال القرآن، دار الشروق، بیروت.
- سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق سعید مندوب، دار الفکر، بیروت.
- سیوطی، الدر المنثور، دار المعرفه، بیروت.
- شوشتری، احقاق الحق مکتبۃ آیت الله مرعشی، قم.
- شوشتری، قاموس الرجال، مرکز نشر کتلب، تهران.
- شوشتری، مجالس المؤمنین، کتلب فروشی اسلامیة، تهران.
- شهرستانی، الملل و النحل، تحقیق محمدسید کیلانی، دار المعرفه، بیروت.
- شهیدی، سیدجعفر، زیستنامه امام علی (علیه السلام)، در دانشنامه امام علی (علیه السلام)، ج ۸، تهران: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- شهیدی، سیدجعفر، علی از زبان علی، یا، زنگانی امیر مؤمنان علی علیه السلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
- شیخ مفید، جمل، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران.
- صدوق، الهدایه، الهادی، قم.
- صدوق، عبون اخبار الرضا، انتشارات علمی، تهران.
- صدوق، کمال الدین، تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم.
- ضمیری، کتابشناسی تفصیلی مذاهب اسلامی، موسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی، قم.
- طباطبایی، المیزان، جامعه مدرسین، قم.
- طبرسی، احتجاج، نشر مرتضی، مشهد.
- طبرسی، جوامع الجامع، تحقیق موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین، قم.

- طبرسی، مجمع النبیان، موسسه اعلمی، بیروت.
- طبری، تاریخ طبری، موسسه اعلمی، بیروت.
- طوسی، تلخیص الشافی، تحقیق سیدحسین بحر العلوم، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- طوسی، مصباح المتهد، موسسه فقه الشیعیه، بیروت.
- فخر رازی، تفسیر الرازی، دار احیاء التراث، بیروت.
- فیض کاشانی، الحق المبین، تصحیح ارموی، سازمان چاپ دانشگاه.
- فیض کاشانی، تفسیر الصافی، موسسه الهادی، قم.
- قاضی قضاعی، دستور معالم الحکم، ترجمه فیروز حریری، دانشکده علوم حدیث، قم.
- قرطبی، تفسیر القرطبی، تحقیق احمد عبدالعظیم، دار احیاء التراث، بیروت.
- قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، موسسه امام مهدی (عجل الله فرجه الشریف)، قم.
- قطب راوندی، منهاج البراعه، تحقیق آیت الله مرعشی، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم.
- قمی، سفینه البحار، کتابخانه سنائی، تهران.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق سید طیب موسوی، دار الکتب، قم.
- قندوزی، ینابیع الموده، تحقیق سید علی جمال اشرف، دار الاسوه، تهران.
- کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دار الکتب، تهران.
- کمپانی، علی کیست، دار الکتب اسلامیه، تهران.
- گنجی شافعی، کفایة الطالب، دار احیاء التراث، بیروت.
- منقی هندی، کنز العمال، موسسه الرساله، بیروت.
- مجلسی، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بیروت.
- مجلسی، مرآة العقول، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- محمودی، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، موسسه اعلمی، بیروت.
- مسعودی، اثبت الوصیة للامام علی بن ابی طالب، دار الاضواء، بیروت.
- مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، دار الفکر بیروت.
- مفید، ارشاد، موسسه آل البيت، قم.
- مفید، امالی، تحقیق علی اکبر غفاری، دار المفید، بیروت.
- نوری، مستدرک الوسائل، موسسه آل البيت، بیروت.
- نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
- نهج البلاغه، صبحی صالح.
- واقفی، المغازی، عالم الکتب، بیروت.
- ابن هشام، محمد بن عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق محی الدین عبدالحمید، قاهره، مکتبه صبیح، ۱۳۸۳ق.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
- خاتون آبادی، جنت الخلود، مصطفوی، قم، ۱۳۶۳ش.
- یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴ق.

#### پاتویس

۱. [↑](#) [مانده/سور ۵ه، آیه ۶۷.](#)
۲. [↑](#) [احزاب/سور ۳۳ه، آیه ۳۳.](#)
۳. [↑](#) [اربلی، ابن ابی الفتح، کشف الغمه، ص ۹۳.](#)
۴. [↑](#) [سیوطی، عبدالرحمن، تاریخ الخلفاء، ص ۱۸۹.](#)
۵. [↑](#) [مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۵۹.](#)
۶. [↑](#) [نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶.](#)
۷. [↑](#) [ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۵.](#)
۸. [↑](#) [مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۹۰.](#)
۹. [↑](#) [شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵.](#)
۱۰. [↑](#) [شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۱، ص ۵.](#)
۱۱. [↑](#) [ابن اثیر، علی بن محمد، اسدالغابه، ج ۱، ص ۱۵.](#)
۱۲. [↑](#) [ابن هشام، محمد بن عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق محی الدین عبدالحمید، ج ۱، ص ۱۷۲ - ۱۷۳.](#)
۱۳. [↑](#) [بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳.](#)
۱۴. [↑](#) [خاتون آبادی، جنت الخلود، ص ۱۶.](#)
۱۵. [↑](#) [یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.](#)
۱۶. [↑](#) [طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهد، ص ۸۱۲.](#)
۱۷. [↑](#) [شیخ مفید، محمد بن نعمان، ارشاد، ج ۱، ص ۵.](#)
۱۸. [↑](#) [مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۲۰.](#)
۱۹. [↑](#) [شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۱، ص ۵.](#)
۲۰. [↑](#) [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۶۰.](#)
۲۱. [↑](#) [شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۱، ص ۵.](#)
۲۲. [↑](#) [مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۳۴۹، قم، منشورات دار الهجرة، ۱۳۶۳ش/۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م.](#)
۲۳. [↑](#) [امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتب و السنة و الایب، ج ۶، ص ۲۱-۲۳.](#)
۲۴. [↑](#) [شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۱، ص ۹.](#)
۲۵. [↑](#) [ابن هشام، محمد بن عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق محی الدین عبدالحمید، ج ۱، ص ۱۶۲.](#)

٢٦. ↑ امام علي (عليه السلام)، نهج البلاغه، خطبه ١٩٢، ص ٢٢٢.
٢٧. ↑ امين، سيد حسن، اعيان الشيعة، ج ١، ص ٣٢٢.
٢٨. ↑ شيخ طوسي، محمد بن حسين، الامالي، ص ٢٩٣.
٢٩. ↑ خوارزمي، موفق بن احمد، مناقب، ج ١، ص ٢٩٤.
٣٠. ↑ نوري، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، ج ١٨، ص ١٥٢.
٣١. ↑ دينوري، ابن قتيبيه، المعارف، ص ١٢١، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٧ق/١٩٨٧م.
٣٢. ↑ ابن ابي الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج ١، ص ٢١.
٣٣. ↑ شيخ مفيد، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ١، ص ٥.
٣٤. ↑ مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٣، ص ١٢٥.
٣٥. ↑ شيخ مفيد، محمد بن نعمان، مسار الشيعة، ص ١٧.
٣٦. ↑ سيد بن طاوس، اقبال الاعمال، تحقيق جواد قيرومي، ص ٥٨٤.
٣٧. ↑ مسعودي، علي بن حسين، اثبتت الوصية للامام علي بن ابي طالب، ص ١٥٣.
٣٨. ↑ ري شهري، محمد، موسوعة الامام علي بن ابي طالب، ج ١، ص ١٠٨.
٣٩. ↑ يعقوبي، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبي، ج ٢، ص ٢١٣.
٤٠. ↑ شيخ مفيد، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ١، ص ٢٧٠-٢٧١، قم، سعيد بن جبير، ١٤٢٨ق.
٤١. ↑ نسائي، احمد بن شعيب، السنن الكبرى، ج ٧، ص ٤٠٧.
٤٢. ↑ ابن ابي الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج ١، ص ١٥.
٤٣. ↑ آيتي، محمدابراهيم، تاريخ پیامبر اسلام، تجديد نظر و اضافت ابوالقاسم گرجي، ص ٦٥، تهران، دانشگاه تهران، ١٣٧٨.
٤٤. ↑ ابن ابي الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج ١، ص ٣٠.
٤٥. ↑ ابن سعد بغدادی، محمد، طبقات الكبرى، ج ٣، ص ٢٤.
٤٦. ↑ بلاذري، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، ج ١، ص ٢٨٨.
٤٧. ↑ طبري، محمد بن جرير، تاريخ طبري، ج ٢، ص ٤٤٥.
٤٨. ↑ ابن هشام، محمد بن عبدالمك، السير ه النبويه، تحقيق محي الدين عبدالحميد، ج ٢، ص ٥٢٥.
٤٩. ↑ ابن اثير، علي بن محمد، الكامل في التاريخ، ج ٢، ص ١٠٧.
٥٠. ↑ ابن هشام، محمد بن عبدالمك، السير ه النبويه، تحقيق محي الدين عبدالحميد، ج ٣، ص ٧٠٨.
٥١. ↑ طبري، محمد بن جرير، تاريخ طبري، ج ٢، ص ٥٧٣-٥٧٤.
٥٢. ↑ مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج ٢٠، ص ٢١٦.
٥٣. ↑ ابن هشام، محمد بن عبدالمك، السير ه النبويه، تحقيق محي الدين عبدالحميد، ابن هشام، ج ٢، ص ٣٢٨.
٥٤. ↑ نيشابوري، مسلم، صحيح مسلم، ج ٤، ص ١٨٧١.
٥٥. ↑ شيخ مفيد، محمد بن نعمان، ارشاد، ج ١، ص ١٢٨.
٥٦. ↑ آيتي، محمدابراهيم، تاريخ پیامبر اسلام، تجديد نظر و اضافت ابوالقاسم گرجي، ص ٤٥٩.
٥٧. ↑ زمخشري، جار الله، الكشاف، ج ٢، ص ٦٨٩، ذيل آيه ٨١ سورة اسراء.
٥٨. ↑ آيتي، محمدابراهيم، تاريخ پیامبر اسلام، تجديد نظر و اضافت ابوالقاسم گرجي، ص ٤٨١.
٥٩. ↑ شيخ مفيد، محمد بن نعمان، ارشاد، ج ١، ص ١٥٦.
٦٠. ↑ ابن هشام، محمد بن عبدالمك، السير ه النبويه، تحقيق محي الدين عبدالحميد، ج ٤، ص ٩٤٦.
٦١. ↑ نساء/سوره ٤، آيه ٥٩.
٦٢. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ١، ص ١٨٩.
٦٣. ↑ شيخ صدوق، محمد بن علي، الهدايه، ج ٢، ص ٣١.
٦٤. ↑ شيخ صدوق، محمد بن علي، كمال الدين، ص ٢٤.
٦٥. ↑ حلي، حسن بن يوسف، تنكره الفقهاء، ج ١، ص ٤٥٣.
٦٦. ↑ مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج ٢٣، ص ٨٩.
٦٧. ↑ فيض كاشاني، ملا محسن، الحق المبين، ص ٤.
٦٨. ↑ طبرسي، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ج ١، ص ٤١٠.
٦٩. ↑ حويزي، عبدعلي بن جمعه، تفسير نورالتقلين، ج ٢، ص ١٥٨.
٧٠. ↑ طباطبائي، محمدحسين، الميزان في تفسير القرآن، ج ٤، ص ٤١١.
٧١. ↑ قرطبي، محمد بن علي، تفسير القرطبي، ج ٦، ص ٢٢١.
٧٢. ↑ طباطبائي، محمدحسين، الميزان في تفسير القرآن، ج ٦، ص ٢٥.
٧٣. ↑ فخر رازي، محمد بن عمر، تفسير الرازي، ج ١٢، ص ٣٠.
٧٤. ↑ سيوطي، عبدالرحمن، الدر المنثور، ج ٣، ص ٩٨.
٧٥. ↑ قندوزي، سليمان بن ابراهيم، ينابيع المودة، تحقيق سيد علي جمال اشرف، ص ١٥٧.
٧٦. ↑ گنجي شافعي، محمد بن يوسف، كفاية الطالب، ص ٢٠٥.
٧٧. ↑ ابن مغزالي، علي بن محمد، مناقب علي بن ابي طالب، ص ١٦.
٧٨. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ١، ص ٢٩٠.
٧٩. ↑ طبرسي، احمد بن علي، احتجاج، ج ١، ص ٧٣.
٨٠. ↑ قمي، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، ج ١، ص ١٧٣.
٨١. ↑ رشيد رضا، محمد، تفسير المنار، ج ٦، ص ٣٨٤.
٨٢. ↑ ابن مغزالي، علي بن محمد، مناقب علي بن ابي طالب، ص ٢٤.

۸۴. ↑ [شیخ مفید، محمد بن نعمان، ارشاد، ج ۱، ص ۱۸۶، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۶.](#)
۸۵. ↑ [طوسی، محمد بن حسن، تلخیص الشافی، ج ۳، ص ۷۶.](#)
۸۶. ↑ [شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق محمّد سید کیلانی، ج ۲، ص ۹۵.](#)
۸۷. ↑ [دینوری، ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۳۰.](#)
۸۸. ↑ [حلبی، علی بن ابراهیم، السیره الطیبیه، ج ۳، ص ۴۰۰.](#)
۸۹. ↑ [ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳۶.](#)
۹۰. ↑ [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۸۸.](#)
۹۱. ↑ [پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، ج ۲، ص ۱۹۱.](#)
۹۲. ↑ [دینوری، ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۲۹-۳۰.](#)
۹۳. ↑ [مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۸.](#)
۹۴. ↑ [مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۲۰.](#)
۹۵. ↑ [شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق محمّد سید کیلانی، ج ۱، ص ۵۷.](#)
۹۶. ↑ [دینوری، ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۲۸.](#)
۹۷. ↑ [سیوطی، عبدالرحمن، الاتقان، ج ۱، ص ۲۰۴.](#)
۹۸. ↑ [بغدادی، ابن ندیم، فهرست ابن ندیم، ص ۴۱-۴۲.](#)
۹۹. ↑ [ابن عبدالوهاب، سلیمان، فصل الخطب، ص ۹۷.](#)
۱۰۰. ↑ [فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱.](#)
۱۰۱. ↑ [بغدادی، ابن ندیم، فهرست ابن ندیم، ص ۴۱-۴۲.](#)
۱۰۲. ↑ [مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۵۲.](#)
۱۰۳. ↑ [یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۳.](#)
۱۰۴. ↑ [نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴.](#)
۱۰۵. ↑ [طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۲۹.](#)
۱۰۶. ↑ [طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۲۷-۴۳۱.](#)
۱۰۷. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، خطبه ۹۲.](#)
۱۰۸. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵، ص ۲۲۴.](#)
۱۰۹. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، نامه ۵۱، ص ۲۸۹.](#)
۱۱۰. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، نامه ۲۵، ص ۲۵۸.](#)
۱۱۱. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۲۹۱.](#)
۱۱۲. ↑ [محمودی، محمدباقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۲۴.](#)
۱۱۳. ↑ [شیخ مفید، محمد بن نعمان، اختصاص، ص ۱۵۱.](#)
۱۱۴. ↑ [حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۴۵۷، تهران، موسسه فرهنگی آریه، ۱۳۷۹.](#)
۱۱۵. ↑ [مسعودی، علی بن حسین، اثبت الوصیة للامام علی بن ابی طالب، ص ۱۵۸.](#)
۱۱۶. ↑ [طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، جزء ۶، ص ۹۰.](#)
۱۱۷. ↑ [تقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۲، ص ۴۵.](#)
۱۱۸. ↑ [قمی، شیخ عیسی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۴۳.](#)
۱۱۹. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۲۸۳.](#)
۱۲۰. ↑ [ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۷۵.](#)
۱۲۱. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶، ص ۲۲۶.](#)
۱۲۲. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۷، ص ۳۲۳.](#)
۱۲۳. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۲۹۴.](#)
۱۲۴. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۷۵.](#)
۱۲۵. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۲۹۲.](#)
۱۲۶. ↑ [شهیدی، جعفر، زیستنامه امام علی \(علیه السلام\)، ص ۲۵.](#)
۱۲۷. ↑ [شهیدی، جعفر، زیستنامه امام علی \(علیه السلام\)، ص ۲۶.](#)
۱۲۸. ↑ [شهیدی، جعفر، زیستنامه امام علی \(علیه السلام\)، ص ۲۶.](#)
۱۲۹. ↑ [زبیدی، مرتضی، تاج العروس، تحقیق علی شیری، ج ۵، ص ۳۷۶.](#)
۱۳۰. ↑ [طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۳۴.](#)
۱۳۱. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۴.](#)
۱۳۲. ↑ [طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۵۳.](#)
۱۳۳. ↑ [امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۴، ص ۱۶۶.](#)
۱۳۴. ↑ [طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۳۰۹۶.](#)
۱۳۵. ↑ [طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۵۱.](#)
۱۳۶. ↑ [طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۵۰.](#)
۱۳۷. ↑ [طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۴۴.](#)
۱۳۸. ↑ [شهیدی، جعفر، علی از زبان علی، ص ۸۲-۸۳ و ۱۰۸.](#)
۱۳۹. ↑ [طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۵۴.](#)
۱۴۰. ↑ [طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۰۷.](#)



١٤١. [↑ اسكافي، محمد بن عبدالله، المعيار و الموازنة في فضائل امير المؤمنين علي بن ابي طالب، محبذاق محمودي، ج١، ص٦٠.](#)
١٤٢. [↑ طبري، محمد بن جرير، تاريخ طبري، ج٤، ص٥١١.](#)
١٤٣. [↑ شهيدى، جعفر، على از زبان على، ص١٠٤.](#)
١٤٤. [↑ شهيدى، جعفر، على از زبان على، ص١٠٤.](#)
١٤٥. [↑ شهيدى، جعفر، على از زبان على، ص١٠٨.](#)
١٤٦. [↑ شهيدى، جعفر، على از زبان على، ص١٠٨.](#)
١٤٧. [↑ جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح، تحقيق احمد عبدالغفور، ج٣، ص١١٥٢.](#)
١٤٨. [↑ يعقوبى، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص١٨٨.](#)
١٤٩. [↑ ابن خياط، خليفه، تاريخ خليفه، ص١٩١.](#)
١٥٠. [↑ شهيدى، جعفر، على از زبان على، ص١١٣-١٢١.](#)
١٥١. [↑ اسكافي، محمد بن عبدالله، المعيار و الموازنة، ص١٦٢.](#)
١٥٢. [↑ جعفر، شهيدى، على از زبان على، ص١٢٢.](#)
١٥٣. [↑ ابن مزاحم، وقعة صفين، ص٤٩٠.](#)
١٥٤. [↑ ابن اعثم كوفى، احمد، الفتوح، ج٤، ص٢١٠.](#)
١٥٥. [↑ شهيدى، جعفر، على از زبان على، ص١٢٩.](#)
١٥٦. [↑ شهرستانى، محمد بن عبدالكريم، الملل و النحل، تخريج محمد بن فتح الله بدران، قاهره، الطبعة الثانية، القسم الاول، ص١٠٦-١٠٧.](#)
١٥٧. [↑ شهيدى، جعفر، على از زبان على، ص١٣٢.](#)
١٥٨. [↑ شهيدى، جعفر، على از زبان على، ص١٣٣-١٣٤.](#)
١٥٩. [↑ جعفر بن، رسول، كزیده حيلت سياسى و فكرى امامان شيعه، قم: دفتر نشر معارف، ١٣٩١، ص٥٤-٥٣.](#)
١٦٠. [↑ ابن ابى الحديد معتزلى، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص١٥-١٦.](#)
١٦١. [↑ جعفر بن، رسول، كزیده حيلت سياسى و فكرى امامان شيعه، ص٥٥.](#)
١٦٢. [↑ شيخ مفيد، محمد بن نعمان، الارشاد، ج١، ص٢٧-٢٨، قم، سعيد بن جبیر.](#)
١٦٣. [↑ ابن طووس، عبدالكريم بن احمد، فرحة الغرى، ص٩٣.](#)
١٦٤. [↑ مجلسى، محبذاق، بحار الانوار، ج٤٢، ص٢٢٢.](#)
١٦٥. [↑ مقدسى، بدالله، باز پژوهى تاريخ ولادت و شهادت معصومان \(عليه السلام\)، ص٢٣٩-٢٤٠، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى، ١٣٩١.](#)
١٦٦. [↑ مجلسى، محبذاق، بحار الانوار، ج٤٢، ص٢٩١.](#)
١٦٧. [↑ مجلسى، محبذاق، بحار الانوار، ج٤٢، ص٢٩٠.](#)
١٦٨. [↑ امام على \(عليه السلام\)، نهج البلاغه، ترجمه سيد جعفر شهيدى، نامه ٤٧، ص٢٨٦.](#)
١٦٩. [↑ مجلسى، محبذاق، بحار الانوار، ج٤٢، ص٣٣٨.](#)
١٧٠. [↑ قطب رواندى، ابن هبة الله، الخرائج و الجرائح، ج١، ص٢٣٤.](#)
١٧١. [↑ شيخ مفيد، محمد بن نعمان، ج١، ص١٠.](#)
١٧٢. [↑ شيخ مفيد، محمد بن نعمان، ارشاد، ج١، ص٢٦.](#)
١٧٣. [↑ خطيب بغدادى، احمد بن على، تاريخ بغداد، ج٦، ص٢١٩.](#)
١٧٤. [↑ خر مشاهى، بهاء الدين، على بن ابى طالب \(عليه السلام\) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهى، ج٢، ص١٤٨٦.](#)
١٧٥. [↑ هبتمى، ابن حجر، صواعق المحرقة، ج٢، ص٣٥٣.](#)
١٧٦. [↑ خر مشاهى، بهاء الدين، على بن ابى طالب \(عليه السلام\) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهى، ج٢، ص١٤٨٦.](#)
١٧٧. [↑ شبلنجى، مومن بن حسن، نور الابصار، ص٧٣.](#)
١٧٨. [↑ خر مشاهى، بهاء الدين، على بن ابى طالب \(عليه السلام\) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهى، ج٢، ص١٤٨٦.](#)
١٧٩. [↑ تحريم/سوره ٦٦، آيه ٤.](#)
١٨٠. [↑ حاقه/سوره ٦٩، آيه ١٢.](#)
١٨١. [↑ بينه/سوره ٩٨، آيه ٧.](#)
١٨٢. [↑ خر مشاهى، بهاء الدين، على بن ابى طالب \(عليه السلام\) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهى، ج٢، ص١٤٨٦.](#)
١٨٣. [↑ سيوطى، الاتقان، چاپ دارالكتب العلميه، ج٢، ص٤١٢.](#)
١٨٤. [↑ خر مشاهى، بهاء الدين، على بن ابى طالب \(عليه السلام\) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهى، ج٢، ص١٤٨٦.](#)
١٨٥. [↑ خر مشاهى، بهاء الدين، على بن ابى طالب \(عليه السلام\) و قرآن، در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهى، ج٢، ص١٤٨٦.](#)
١٨٦. [↑ گنجى شافعى، محمد بن يوسف، كفاية الطالب، ص٢٣١.](#)
١٨٧. [↑ هبتمى، ابن حجر، صواعق المحرقة، ج٢، ص٣٧٣.](#)
١٨٨. [↑ قندوزى، سليمان بن ابراهيم، بناييع المودة، تحقيق سيد على جمال اشرف، ص١٢٦.](#)
١٨٩. [↑ آل عمران/سوره ٣، آيه ٦١.](#)
١٩٠. [↑ سيوطى، عبدالرحمن، الدر المنثور، ذيل آيه ٦١، ج٢، ص٢٣٣.](#)
١٩١. [↑ زمخشرى، ذيل آيه ٦١ سوره آل عمران، ج١، ص٣٦٨.](#)
١٩٢. [↑ طبرسى، مجمع البيان، ذيل آيه ٦١ سوره آل عمران، ج٢، ص٣١٠.](#)
١٩٣. [↑ طباطبايى، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، ذيل آيه ٦١ سوره آل عمران، ج٣، ص٢٢٣.](#)
١٩٤. [↑ احزاب/سوره ٣٣، آيه ٣٣.](#)
١٩٥. [↑ ابن بابويه، محمد بن على، كتب الخصال، على اكبر غفارى، ج٢، ص٤٠٣.](#)
١٩٦. [↑ سيد بن قطب، فى ظلال القرآن، ج٦، ص٥٨٦.](#)
١٩٧. [↑ طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، ج٨، ص١٥٦.](#)

١٩٨. ↑ شورى/سوره٤٦، آية٢٣  
١٩٩. ↑ مجلسي، محبباف، بحار الانوار، ج٢٣، ص٢٣٣.
٢٠٠. ↑ اميني، عبدالحسين، الغدير في الكتب و السنة و الانب، ج٣، ص١٩٥-٢١٣.
٢٠١. ↑ نيشابوري، حاكم، المستدرک على الصحيحين، ج٣، ص١٣٦.
٢٠٢. ↑ ابن حنبل، احمد، فضائل امير المؤمنين على بن ابيطالب، ج٥، ص٢٦.
٢٠٣. ↑ ابن هشام، محمد بن عبدالمك، السير ه النبويه، تحقيق محي الدين عبدالحميد، ج١، ص٤٨٠.
٢٠٤. ↑ ابن اثير، علي بن محمد، الكامل في التاريخ، ج٢، ص٧٢.
٢٠٥. ↑ مجلسي، محبباف، بحار الانوار، ج١٩، ص٥٩.
٢٠٦. ↑ بقره/سوره٢، آيه٢٠٧.
٢٠٧. ↑ فخر رازي، محمد بن عمر، تفسير كبير، ج٥، ص٢٢٣.
٢٠٨. ↑ حاكم حسكاني، عبيدالله، شواهد التنزيل، تحقيق محبباف محمودي، ج١، ص١٢٣.
٢٠٩. ↑ قمي، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، ج١، ص٧١.
٢١٠. ↑ طباطبائي، محمدين، الميزان في تفسير القرآن، ج٢، ص١٠٠.
٢١١. ↑ اميني، عبدالحسين، الغدير في الكتب و السنة و الانب، ج٣، ص١٤٠.
٢١٢. ↑ شوشترى، نورالله، احقاق الحق، ج٥، ص٥٢٢.
٢١٣. ↑ ابن هشام، محمد بن عبدالمك، السير ه النبويه، تحقيق محي الدين عبدالحميد، ج٤، ص٥٤٥.
٢١٤. ↑ طبري، محمد بن جرير، تاريخ طبري، ج٣، ص١٢٣.
٢١٥. ↑ ابن هشام، محمد بن عبدالمك، السير ه النبويه، تحقيق محي الدين عبدالحميد، ج٤، ص٩٧٠.
٢١٦. ↑ بحراني، سيدهاشم، غاية المرام، تحقيق سيدعلي عاشور، ب١، ص٣٦٠.
٢١٧. ↑ متقي هندی، علي بن حسام، كنز العمال، ج٦، ص١٥٥.
٢١٨. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص١٦-١٧.
٢١٩. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص١٧.
٢٢٠. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص١٨.
٢٢١. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص١٩.
٢٢٢. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص٢٧-٢٨.
٢٢٣. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص٢٠.
٢٢٤. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص٢٤.
٢٢٥. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص٢١-٢٢.
٢٢٦. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص٢٢-٢٤.
٢٢٧. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص٢٥.
٢٢٨. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص٢١-٢٠.
٢٢٩. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص٢٧.
٢٣٠. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج١، ص٢٦.
٢٣١. ↑ ضميرى، محمدرضا، كتابشناسي تفصيلي مذاهب اسلامي، ص٣٦٥-٣٦٧.
٢٣٢. ↑ ضميرى، محمدرضا، كتابشناسي تفصيلي مذاهب اسلامي، ص٣٧٥.
٢٣٣. ↑ نوري، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، ج٣، ص٣٦٧.
٢٣٤. ↑ قاضي قضاي، دستور معالم الحكم، ترجمه فيروز حريجي، مقدمه كتب، ص١٣.
٢٣٥. ↑ مجلسي، محبباف، بحار الانوار، ج٢٢، ص٣٤٣.
٢٣٦. ↑ شيخ صدوق، محمد بن علي، عيون اخبار الرضا، ج١، ص٧٠.
٢٣٧. ↑ ابن سعد بغدادي، محمد، طبقات الكبرى، ج٤، ص٢٢٤.
٢٣٨. ↑ يعقوبي، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبي، ج٢، ص١٢٤.
٢٣٩. ↑ يعقوبي، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبي، ج٢، ص١٢٤.
٢٤٠. ↑ كمپاني، فضل الله، علي كيست، ص٤١٢.
٢٤١. ↑ امام علي (عليه السلام)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشنتي، ص٥٦٥.
٢٤٢. ↑ شيخ مفيد، محمد بن نعمان، امالي، ص١٤٠.
٢٤٣. ↑ شيخ مفيد، محمد بن نعمان، جمل، ص٢٢٣.
٢٤٤. ↑ ابن مزاحم، نصر، وقعة صفين، ص١٠٥.
٢٤٥. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج٢، ص٢٧٣.
٢٤٦. ↑ ابن ابی الحديد معتزلي، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج٦، ص٢٩٣.
٢٤٧. ↑ راوندي، قطب الدين، منهاج البراعه، ج٢١، ص٢١٩.
٢٤٨. ↑ شيخ مفيد، محمد بن نعمان، اختصاص، ص٧.
٢٤٩. ↑ شوشترى، محمدتقي، قلموس الرجال، ج٧، ص٤٩٥.
٢٥٠. ↑ تقفي، ابراهيم بن محمد، الغارات، ج١، ص٢٢٤.
٢٥١. ↑ تقفي، ابراهيم بن محمد، الغارات، ج١، ص٢٨٥.
٢٥٢. ↑ زركلي، خير الدين، الاعلام، ج٦، ص٢٢٠.
٢٥٣. ↑ برقي، احمد بن محمد، رجال برقي، تحقيق محنت ارموي، ص٣.
٢٥٤. ↑ ابن اثير، علي بن محمد، اسدالغابه، ج١، ص١٥١.

۲۵۶. [↑ شیخ مفید، محمد بن نعمان، الجبل، ص ۵۲، ج ۱، ص ۲۸۹.](#)

۲۵۷. [↑ ابن اثیر، علی بن محمد، اسدالغابه، ج ۳، ص ۲۰.](#)

۲۵۸. [↑ یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹.](#)

#### منبع

باز نویسی شده توسط گروه پژوهشی ویکی فقه.

رده‌های این صفحه: [امام علی](#) | [تاریخ زندگانی امام علی](#) | [تاریخ معصومان](#) | [جنگ های امام علی](#) | [خویشاوندان پیامبر اسلام](#) | [سیره امام علی](#) | [فضائل امام علی](#) | [گردآورندگان قرآن](#) | [مسلمانان نخست](#) | [پاران امام علی](#)